

انتشار متن کلیه قراردادهای ایران با تمام کشورها، امری مفید و لازم است

آیا قراردادهای نظامی و غیرنظامی، که رژیم شاه مخلوع با آمریکا بسته بود، ملغی شده اند؟

اگر ملغی شده اند، الفاء آنها از جانب کدام طرف، آمریکا و یا ایران انجام گرفته است؟ آیا این قراردادها به قوت خود باقی هستند؛ اگر به قوت خود باقی هستند، آیا اجرا میشوند و یا نمی شوند؟ آیا برخی از این قراردادها اجرا میشوند و برخی دیگر اجرا نمی شوند؟ اگر چنین است، کدامند آن قراردادهایی که اجرا میشوند و آنهایی که اجرا نمی شوند؟ آیا برخی از این قراردادها حتماً اجرا میشوند؛ آیا قراردادهای دیگری - نظامی و غیرنظامی - که رژیم پیشین با دولتها و یا کمیته های کشورهای اروپایی و نیز با ژاپن و کانادا و استرالیا منعقد کرده، ملغی شده اند؛ در حال تعلیق اند؛ حتماً اجرا میشوند؛ کدامند آن قراردادهایی که با سایر دولتها، بعد از پیروزی انقلاب، بسته شده اند؛ کدامند قراردادهایی که بعد از دگرگونی و انقلاب، یعنی بعد از ۲۲ نوامبر ۱۹۷۹ با دولتهای دیگر - سرمایه داری یا سوسیالیستی بسته شده اند؛ چکه نه است که کیف و قراردادهایی که بعد از پیروزی انقلاب با دیگر دولتها و شرکتهای خارجی بسته شده اند؟

پاسخ این پرسشها و سرپرش دیگری که درباره قراردادهای - چه آنها که قبل و چه آنها که بعد از انقلاب منعقد شده اند، مین و مشخص نیست، زیرا هیچ



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۴۸
پخش ۱۱ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ ریال



بمناسبت روز اول ژوئن
(۱۱ خرداد)
روز جهانی کودک

طلوع آفتاب بهروزی را
در آسمان کودکان خود
با تلاش همگانی شتاب دهیم

صفحات ۵۴

در صفحات بعد

چپ روها و مسئله

راه رشد غیر سرمایه داری

مقاله دوم: اسلوب چریکها
و اسلوب مارکسیست ها

صفحات ۶۰۳

شورای جهانی صلح، مردم جهان
را به دفاع از صلح فرا میخواند

صفحه ۶

هشدار سازمان جوانان
و دانشجویان دمکرات ایران
به همه دانشجویان
و نیروهای مترقی دانشجویی

بنا بر مصوبه مورخ ۵ اردیبهشت ۵۹ شورای انقلاب، قرار است کلیه دانشگاهها و موسسات آموزش عالی روز ۱۴ خرداد ماه تعطیل شوند. با نزدیک شدن این روز، زمینهای به گوش می رسد که از مخالفت گروههای خرابکار و مائوئیستی و شب-مائوئیستی نظیر «دزمندگان...»، «فیکار...»، «محب نجبران» و... با تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی حکایت می کنند. مخالفتی که زیر مسک دفاع از «آزادی» و «دانشگاه» و... صورت می گیرد، اما در واقع، هدف متشنج کردن مراکز آموزش عالی و دادن پهنانه به دست نیروهای راست افراطی برای حمله به دانشگاهها و ایجاد درگیری و زدوخورد را دنبال می کنند. این امر برای نیروهای راستین انقلابی کاملاً روشن است. این فسادناپذیر چون پیش موقع به استقبال تشنج آفرینی رفته اند و با اقداماتی چون پیش اکاذیب و توهین به رهبری انقلاب - دست مثل روزهای قبل از حوادث فروردین ماه دانشگاهها و مدارس عالی - زمینه را برای سوسوم کردن جو و تحریک عناصر افراطی خارج از دانشگاهها و حمله به این مراکز آماده می کنند. همزمانی و رابطه بین حوادث فروردین ماه دانشگاهها و تجاوز ناکام نظامی امپریالیسم آمریکا به خاک ایران بیانگر این واقعیت است که ایجاد انتشار و تحریک آغشته به کین و نفاق و بدبینی در روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد، زمینه ای دیگر خواهد بود برای عملی ساختن توطئه و تجاوز امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب شکوهند ما و بمنظور انهدام جمهوری اسلامی ایران. از این رو ما با هر نوع تحریک و درگیری و ایجاد اغتشاش - از جمله به بهانه مقاومت در برابر تعطیل دانشگاهها و یا به بهانه های عکس آن - شدیداً مخالفیم و از همه نیروهای سیاسی طرفدار انقلاب و همه نهادهای انقلابی و همه دانشجویان و گروههای مترقی دانشجویی که به انقلاب و

بقیه در صفحه ۲

اعلامیه

کمیته مرکزی
حزب توده ایران

تبادل نظر و مشورت همه سازمانها و احزاب
مترقی، نمایندگان واقعی اساید و دانش-
جویان و بهره گیری از سنن فرهنگ ملی
و دستاوردهای علوم تربیتی است. این
کار با تعطیل طولانی دانشگاهها انجام پذیر
نیست. اینکه که مجلس شورایی جمهوری
اسلامی ایران گنجینه های باقی مانده به
نهادهای انقلابی امکان داد که تمام تحولات
ضرورت انقلابی و از جمله دگرگونی بنیادی
آموزشی را از راههای سالم قانونی در
انقلاب پیش برند.
ما با امپریالیسم درنده آمریکا روبرو
هستیم و در نبرد با این دشمن غدار، به
جو آرام نیازندیم و نه محیط پرتشنج و
آشوبز. بنابراین باید جدا و اکیدا از
هر اقدامی که جو آرام را مختل و ایجاد
درگیری کند، پرهیز داشت.
باید بهوش بود که امپریالیسم نقشه های
پلید خود را با توسل به شعارهای فریبنده
و اشکال به ظاهر پذیرفتنی عرضه میکند.
نباید این شمارها و این اشکال کج را
گمراه سازد. باید به هوش بود
و در دام طراحان فساد و سکار
این نقشه های شوم گام نگذاشت. هر لحظه
غفلت، میتواند کل انقلاب را در معرض
خطر قرار دهد. باید با هشیاری راه را بر
توطئه های بست و خطر را از سر انقلاب دور
کرد.

حزب توده ایران بار دیگر هشدار خود
را تکرار میکند که بزرگترین وظیفه در
لحظه حساس کنونی، حفظ دستاوردهای
انقلاب است و لازمه آن پرهیز از درگیری
و تشنج، نشان دادن روح لغام مقابل،
تقویت صفوف انقلاب و قشر دست اتحاد
و یگانگی است.

کمیته مرکزی
حزب توده ایران

توسل به هر جنایت و خیانتی میخواهند
انقلاب ایران را سرکوب و رژیم جمهوری
اسلامی ایران را از سر راه خود بردارند.
انقلاب ایران بر آنها چنان شریاتستین
وارد آورده، که تمام کین و حق و نرت
آنانرا برانگیخته است. امپریالیسم آمریکا
سر آن دارد که به کمک فساد انقلاب
داخلی، آب رفته را بجوی بازگرداند و
منافع از دست داده را دوباره به چنگ آورد.
از یکسو با کمک بنیهای عراق و عوامل
مزدوری چون ژنرالهای فراری ازت، ایران،
چنگ برآوردکنی را در کردستان نامن
مینند، و از سوی دیگر با کمک شاه مخلوع
درید و رسوا و بختیار مزدور میکوشد تا
با یاری ساواکیها و وابستگان به رژیم
پیشین، توطئه های پلید خود را علیه انقلاب
ایران با هزاران رنگ به صحنه آورد.
درگیریهای که ماه گذشته در دانشگاهها
رخ داد، حلقه ای از حلقه های این توطئه بود.
اکنون قرار است آن توطئه، که در اساس
شکست خورد، با بهانه های دیگر و رنگی
دیگر به صحنه آید.
ما هشدار خود را بار دیگر تکرار
می کنیم تا همه مراجع مسئول: رئیس جمهوری،
شورای انقلاب، دولت، دانشگاهیان، تمام
احزاب، سازمانها و گروهها و همه هواداران
که به سرنوشته انقلاب دلبستگی دارند،
بهوش باشند و از هر اقدامی که بتواند
مورد بهره گیری ضدانقلاب قرار گیرد،
جدا و موکداً پرهیزند.

۱۳۵۹/۳/۱۰

باهشیاری و اتحاد

از هر گونه درگیری و تشنج جلو گیری کنیم

ستاد برگزاری مراسم ۱۵ خرداد اعلام کرد که مراسم ۱۵ خرداد را مردم ایران گرمی میدارند. دانشگاهها نیز مدتی است که به مرکز فعالیت های سیاسی بدل شده اند و لذا برگزاری ۱۵ خرداد در دانشگاهها - توانست امری عادی تلقی شود.
ولی دو نکته حساس در این مسئله جلب توجه می کند:
یکی اینکه از چندین پیش در محافل ضدانقلابی صحبت از اینست که در روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد دست به تحریک و توطئه بزنند و بویژه موضوع دانشگاهها را ستاویز این تحریک و توطئه قرار دهند.
دیگر اینکه پس از درگیری های شدید چندین پیش در دانشگاهها، شورای انقلاب روز ۱۴ خرداد را روز تعطیل دانشگاهها اعلام کرد، ولی عده ای از عناصر چپنا و گروهکهای خرابکار با آن مخالفت کردند و می کنند.

بنابراین در شرایط حساس و استثنائی کشور ما باید به موضوع کاملاً عادی و ضروری برگزاری مراسم ۱۵ خرداد، با احساس مسئولیت بمراتب بیشتری برخورد کرده تا از خزنوع سوء استفاده ضدانقلاب جلوگیری شود.
متأسفانه این احساس مسئولیت همهچیزیک بعیت وجود ندارد. برخی از محافل سیاسی که میکوشند در برگزاری مراسم ۱۵ خرداد نقش اصلی را ایفا کنند، از مهاکتون به گسترش و تشدید تشنج نامن بزنند و برغم شرایط حساس و بیغرنجی که کشور ما دارد، جو سیاسی را سوسوم میسازند. کسانی زیرکانه تلاش دارند تا از پامسلاط جنبه مشد تسوده های ما و فداپایان و... سخن بگویند و این «جنبه» موهم را از مهاکتون در وقایع احتمالی مسئول معرفی کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ضرور می داند تصریح کند که اولاً حزب ما در ایجاد هیچ گونه درگیری و تشنج مشارکت نداشته و ندارد و لذا در روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد نیز در هیچ اقدامی مشارکت نخواهد داشت.
در لحظات حساس کنونی، انقلاب ایران

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

۱۱ خرداد - روز جهانی کودک

سماں کود کان خود، با تلاش همگانی شتاب دهیم



سر بچه دهقان. بدستهای او هم نگاه کنید. تا به کلاس دوم برسد، آنقدر کار کرده، که دستهایش بسادهای پینه بسته پدر بزرگش یکسان شده. در چشمان این دهقان زاده نه تنها فقط پرتوی از غم گذشته، بلکه نور امید به آینده نیز میدرخشد.



و اینست بزرگترین تفریحی که اکثر کودکان میتوانند بدان دل خوش کنند. «شهر فرنگه»، یعنی آنچه دست نیافتنی است، آنچه در دوردستهاست، شهر تخیل... کودکان ما حق دارند وسایل بازی و سرگرمی داشته باشند، حق دارند بخواهید زندگی شایسته انسانی و مرحله کودکی آن دست یابند.

حق تفریح، مسکن، آموزش رایگان و اجباری، حق تفریح، مراقبتهای طبی، تأمین شرایط ضروری برای شکوفائی متعادل شخصیت کودک و حمایت از او در برابر خشونت و استعمار را توصیه میکند. متأسفانه در بیستین سال تصویب این اعلامیه که در سال ۱۹۷۹ بتوان سال کودک پر گزار شد، بوضوح اثبات گردید که در جوامع طبقاتی سرمایه داری و کشورهای تحت سلطه نواستعمار هیچ گام اساسی در جهت بهبود شرایط زندگی کودکان برداشته نشده، و کودکان این بخش از جهان همچنان از محرومیت های فراوان رنج می بینند.

از ۱۶۰۰ میلیون کودک سراسر جهان، نزدیک به ۱۰۰ میلیون کودک کمتر از ۱۳ سال به نساء گوناگون بکار اشتغال دارند. در آمریکا، ثروتمندترین کشور جهان سرمایه داری، ۱۳۲۷۰۰۰ کودک ۱۵ تا ۱۱ ساله برای امراد ممانت کار میکنند، در ایالتی تعداد کودکان شاغل ۱۲ - ۱۵ ساله در سال ۱۹۷۳ به ۱۱ میلیون نفر میرسد که در بارها، رستورانها، کارخانه ها کارگاههای ساختمانی و مراکز بکار مشغولند. در خاور دور ۴۱ میلیون دختر کمتر از ۷ سال فقط میتوان مستخدم مشغول کارند، در آلمان فدرال یک میلیون کودک در خوابگاههای عمومی بس می بینند. در سراسر این گونه نظامها، هیچ قانونی برای حمایت از مسافر و کودک و دفاع از حقوق کودکان وجود ندارد.

تعداد نظام عادلانه سوسیالیسم در جوامع فارغ از استعمار است که چنان شرایطی برای شکوفائی رشد شخصیت کودکان فراهم آمد، که باید این کشورها را بحق بهشت کودکان نامید. کودک از قبل از تولد، تا هنگامیکه پای به اجتماع میگردد، تحت مراقبت برمهردت و جامعه است.



سر بچه دهقان پدر می باشد، همراه با پدرش که شخم میزند، با آن وسایلی که می بینید. زمینی که اینها روی آن کار میکنند و محصولی که از زحمت اینها بدست می آید، مال چه کسی است؟ این سؤال حیاتی، هم برای پدر و هم برای پسر، مطرح است. انقلاب ما باید هر چه سریعتر به سؤال پاسخ دهد، زمین را به دهقان سپارد و آینده این سر بچه های دهقان را روشن کند.

خود از تفریح و ورزش محرومند، نه پارک و زمین بازی وجود دارد نه استخر و کلوب ورزشی. از گردهمایی دسته جمعی علمی، تفریحی و هنری دانش آموزان یک کلاس و یک مدرسه خبری نیست. سینما و تئاتر کودکان وجود ندارد. سالیان در ازبکستان نامهای کودک را در تلویزیون هولای گانگسترهای آمریکائی را در ذهن کودکان ما نشانده و رفتار و آداب آنان را به فرزندان ما تلقین کرده است. کودکان خانواده های زحمتکش از حیاط تنگ مدرسه به مسکن محقر خانواده پناه میبرند و از اطاق اجاره نشین به کوچه خشک و خاک

اعلامیه حقوق کودک و کودکان در دو جهان

۲۱ سال پیش سازمان ملل متحد با توجه به وضع رقت بار اکثریت کودکان در جهان سرمایه داری و کشورهای در حال رشد، اعلامیه حقوق کودک را به تصویب رساند که اصول دهگانه آن، رافع تمیض از کودکان، ایجاد شرایط لازم برای رشد جسمی، فکری، اخلاقی، روانی و اجتماعی آنان،

فرهنگ تحمیلی بازدارنده و فرهنگ فئودالی دارند، به آموزش میکنند، جریان تاریخ را تحریف نموده و مفاهیم سیاسی، اجتماعی و اخلاقی را بصورت نادرست و کج و معوج در مغز کودکان می نشانند، آنان را بسوی کج اندیشی می رانند لایق، درویش سلک، آسان گیر، ساده اندیش و پندار گرا بساز می آورند، آموختن های مدرسه در پیگار زندگی اصلا بکارشان نمی آید، بیگانه با محیط و بیگانه با خود به اجتماع پا میکنند و تمسب اکثریت شان شکست و نا کامی است.

کودکانی که رفاه نسبی خانواده ها شان، با نسان اجازه آموختن میدهند، در محیط تحصیل با هزاران مشکل دست بگریزاند. فرهنگ نواستعماری، قدرت تفکر و اندیشه، اعتماد بنفس، حس نو آوری و نوپایی و خلاقیت را در کودکان میکشد، کتابهای درسی و قصه های کودکان که ریشه در

اوقات فراغت کودکان

کودکان کشور ما در اکثریت مطلق



ختر بچه دهقان، قالی می بافد. بدستهای او نگاه کنید. آنقدر سوچک است که بدشواری میتواند دسته دانه را بگیرد. لی کار میکنند. کودک دهقان قالی می بافد. روی کلیس چپا مته بزند. ستون فقراتش معیوب میشود و قالی می بافد...



اسمش صد بقیه است. ۱۲ سال دارد. ۳۰ سال است که قالی می بافد. سواد ندارد. از ۶ صبح تا ۴/۵ بعد از ظهر کار میکند. ۲۳ تومان دستمزدش است (ده آبکوه)



اول ژوئن (۱۱ خرداد) روز بین المللی کودکان جهان فرستی است تا تمام پدران و مادران برای تحقق بخشیدن به حقوقی که کودک از قبل از تولد داشته، تلاش کنند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تصویب موادی در مورد حمایت از مادران بویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند، و دفاع از حقوق کودکان بی سرپرست، تأمین آموزش و پرورش و خدمات پزشکی رایگان، تأمین مسکن، حفظ آزادی ها، زمینه تأمین حقوق کودک را در چارچوب معینی فراهم آورده است. باید به شرکت فعال همه پدران و مادرانی که به بهر روزی فرزندان خود علاقمندند، در جنبه مبارزه علیه امپریالیسم سرگردگی امپریالیسم آمریکا، استقلال کشور و حاکمیت خلق را تأمین کرد و زمینه لازم را برای اجرای مواد قانون اساسی فراهم آورد. ناشران اطلاع رسانی و جسمی کودکان شهر و روستا بی برزی شود و در زندگی سپاهان خود رشید نیکی فرزان گردد.



دختر بچه دهقان کار میکند، همراه مادرش که عمری زحمت کشیده و خیری از آن ندیده. آیا زمینداران بزرگ، سرمایه داران کلان، رباخواران و واسطه ها نمره زحمت آنها را بظارت نخواهند پرسد؟ آیا سعادت و سربندی و فرهنگ، بزدگی آنها راه خواهد یافت؟ هر دو نگران پاسخ این سؤال اند. انقلاب ما باید قاطعانه به آنها پاسخ دهد و زندگی شایسته را نصیب آنها سازد.

به فروش نیروی کار خود نشود و از آموزش و بهداشت رایگان محروم نگردد

شورای جهانی صلح، مردم جهان را بدفاع از صلح فرا میخواند

در روزهای ۲۰-۱۸ اردیبهشت، هیئت رئیسه شورای جهانی صلح در بودا، پست، پایتخت جمهوری توده ای مجارستان، جلسه داشت.

این نشست هنگامی برگزار شد، که از یکسوی جهان نیاوسی و پنجمین سالگرد پیروزی بر ده فاشیسم را بزرگ میباشند، و از سوی دیگر امپریالیستها، بسرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا، بار دیگر میکوشند تا مواضع جدیدی برسوراه تنش زادی و خلع سلاح عمومی پدید آورند.

در اجلاس بودایست، هیئت نمایندگی جمعیت ایرانی هواداران صلح، نیز شرکت داشت.

یکی از اعضای هیئت نمایندگی ایران، پس از اشاره به تهاجر هوایی نافرمان ایالات متحده آمریکا و محکوم کردن دسیسه های وسیع امپریالیسم آمریکا علیه کشور ما، از جمله گفت:

«خطری واقعی و سراسری به جهان سایه افکنده است، که از سیاست امپریالیسم آمریکا و متحدان و همدستانش ناشی میشود و باید به وجهی هر چه پیگیرتر و گسترده تر با آن مقابله کرد. برای متوقف ساختن مسابقه دیوانه وار بسوی جنگی که امپریالیسم آمریکا می خواهد بر پیشیت تحمیل کند، باید نیروهای خواستار صلح را در سراسر جهان گرد آورد و مبارزه توده ها را متحد ساخت. باید گفت و تکرار کرد که در مرحله کنونی تاریخی بشر، صلح در جهان تقسیم پذیر نیست، سرنوشت صلح همان اندازه در ایران و افغانستان

مطرح است، که در اروپا و دریای کارائیب، یاد روز چین و ویتنام، نمایندگی ایران، در پایان سخنان خود، که با استقبال فراوان رو برو گشت، خواستار شد، «به سیاست جنگ افروزی، قاطعانه بگوئیم: نه! دست جنایتکار امپریالیسم را، که بقصد خنثی کردن انقلاب ایران برآمده است، قطع کنیم»

اجلاس بودایست پیامها، فراخوانها و قطعنامه های چند، از جمله درباره خطر جنگ، ایران، فلسطین و خاور میانه، امنیت و همکاری در اروپا و آمریکای مرکزی و کارائیب، تصویب کرد. درین «فراخوان بودایست» درباره خطر جنگ و قطعنامه اجلاس هیئت رئیسه شورای جهانی صلح را درباره «دریاد های اخیر ایران» از نظر خوانندگان میگذرانیم.

مراقب باشید: خطر جنگ! فراخوان بودایست

خلق های جهان به مبارزه طلبیده شده اند، تنش زادی در خطر است، مسابقه تسلیحاتی شدت می یابد و درها بسوی جنگ گشاده شده است. با این مبارزه طلبی باید مقابله کرد، بیایید تا گفتگورا در همه سطوح از سر گیریم و اعتماد متقابل را برای اقدام مشترک دوباره برقرار سازیم.

ای کسانی که، بر روی آنها و خاکسراها، سوگند یاد کردید که هم خود را برای جلوگیری از جنگ ویرانگری نازم بکار برید! ای کسانی که دیوانگی مسابقه تسلیحاتی را محکوم میکنید! ای کسانی که از دست زادی روز افزون به

قهر در مناسبات بین المللی سخت تکران هتدیا ای جوانانی که میخواهید در جهانی بهتر زندگی کنید!

مردم دولت های جهان! مراقب باشید! خطر جنگ در پیش است! جنگ ناگزیر نیست! هنوز در نیست که به انباشت لجام گسخته جنگ افرازا پایان دهیم. هنوز در نیست که استقرار زرادخانه های جدید هسته ای را، بویژه در قلب اروپا، منع سازیم. اما تأخیر نشده است باید هر چه زودتر به سیاست قهر، تهدید به تحریم، محاصره و تحریک نظامی پایان بخشیم.

بر هر یک از ماست که تنش زادی را رهایی بخشیم، برای از سر گیری مذاکرات خلع سلاح بر زمین برداریم. آفرینش مناسبات اقتصادی عادلانه و منصفانه در دهته جهانی کوشا باشیم.

هیچ ایدئولوژی، هیچ اختلاف مذهبی و یا عقیدتی نباید کسانی را، که از و خامت شتابان اوضاع بین المللی میمانند، از گفتگوی سریع و کردار هم آهنگ باز دارد. از آنچه مارا جدا می دارد، پرهیز کنیم و در جستجوی آن چیز باشیم، که مارا متحد میسازد! ما همگان را فرا میخوانیم، تا برای پیگیری از جنگ جهانی جدید، به فعالیتمت مشترک بپردازند!

قطعنامه درباره دربار و رویدادهای اخیر ایران

تجاوزات ایالات متحده را علیه ایران محکوم کنید! به همبستگی با مردم ایران بشتابید!

هیئت رئیسه شورای جهانی صلح تجاوز آفکار اخیر ایالات متحده را سر زمین جمهوری اسلامی ایران محکوم میکند.

حمله به ایران، که از مدت ها پیش تدارک دیده شده بود، نشان میدهد که تشدید فعالیت های نظامی امپریالیسم آمریکا چندی برای استقلال، امنیت و حاکمیت همه کشورهای منطقه بشمار میرود. این اجلاس همه را به همتیاری و همبستگی با مردم ایران فرا میخواند.

در جهان سوسیالیسم

مادر و کودک در جمهوری دمکراتیک آلمان

والدین بابت هر نوزاد، از دولت ۱۰۰۰ مارک دریافت میدارند.

مادران از ۲۶ هفته مرخصی پسنداری و پس از زایمان بهرمنند میشوند و در تمام این مدت طبیعتاً حقوق و دستمزد کامل خود را دریافت میکنند.

مادران از تولد دومین کودک همبند میشوند، ازمن ایای «سال نوزاد» بهره مند گردند، باین معنی که در ازای دریافت حقوق ویا دستمزد، یکسال مرخصی بگیرند.

مادرانی که شماره کودکانشان دو ویا بیشتر است هر هفته درعین دریافت حقوق ویا دستمزد عادی، ۳ و سه چهارم ساعت کمتر از دیگران کار می کنند.

مرخصی سالانه مادرانی، که شماره کودکانشان ۳ ویا بیشتر است، ۳ روز بیشتر از دیگران است.

همه زنان خانواده ها، ماهانه درعین دریافت حقوق و دستمزد، از یک «روزخانه داری» بهره مند می شوند. دیگر زنان از سن ۲۰ سالگی از این حق برخوردار میگردند.

چنانچه زن تنهایی، موقتاً برای نوزادش مهد کودک پیدا نکند، میتواند از کادرس بکشد و از دولت کمک هزینه دریافت دارد.

جوانان میتوانند پس از ازدواج، اعتباری مبلغ ۵۰۰۰ مارک از دولت دریافت کنند، که باید پس از ۸ سال بازپرداخت شود و البته بدون بهره است. در ازای هر نوزاد، بخشی از این مبلغ بخشوده میشود. چنانچه این گونه خانواده ها در هر سال صاحب سه کودک گردند، بخشودگی نامبرده صدبرسد است.

نزدیک به ۱۱۰ هزار خانواده ای، که شماره فرزندان شان چهار ویا بیشتر است، در سالهای ۱۳۵۷-۱۳۵۸ از ۳۳۶/۸ میلیون مارک کمک هزینه دولت برخوردار گشته. این مبلغ مشتمل بر ۱۹۶/۲ میلیون مارک بابت پوشاک، ملزومات، ۱۶۳/۳ میلیون مارک بابت غذای رایگان در مدرسه و ۷۷/۳ میلیون مارک بابت کرایه خانه بود.

در جهان سرمایه داری

در کشورهای سرمایه داری صد میلیون کودک مجبورند کار کنند

بگزارش «دفتر بین المللی کار» نزدیک به صد میلیون کودک جهان مجبورند برای امرارماتش خود و خانواده شان کار کنند. پنجاه و دو میلیون نفر اینان کودکان روستایی هستند.

طبق همین گزارش، تنها در هندوستان، ۱۶/۵ میلیون کودک در شرایط پس خیر انسانی به کار اشتغال دارند. برای نمونه، در گروهی از کارخانه های کبریت سازی این کشور بین ۲۰ تا ۲۸۴ هزار کودک پنج ساله، روزانه از ساعت ۳ بامداد تا ۷ بعد از ظهر به کار مشغولند. در ناحیه گلپالی، درمعدن خصوصی که عرض آنها ۹۰ سانتیمتر و ارتفاعشان یک متر است، اغلب قط از «کارگران» کودک استفاده بعمل می آید. و بعضی آنکه قشاش بلندتر شد، از کار اخراج میگردند.

در کلمبیا، ۳ میلیون کودک، در معدن ذغال سنگی، که ۲۸۰ متر زیر زمین قرار دارند، و از هر گونه دستگاه تهویه ای بی بهره اند، زیر نور شمع، روزانه هشت ساعت به کار مشغولند.

در فرانسه و مصر، از دختران ۱۲-۷ ساله، بعنوان «کارآموز» در قالبی باقی استفاده میشود. کارفرمایان، بجز در آنکه این «کارآموزان» پس ۱۲ رسیدند، عقد آنها را میخواهند، تا مجبور نشوند احیاناً به آنها بعنوان کارگر، دستمزد بپردازند. کارگاه های قالبی، اغلب بملت نبود شرایط مناسب کار (رطوبت، کثافت، کمی نور)، بویژه سبب بیماری های کلوی و چشم میشود. «کارگران» اصلی پنج هزار کارخانه را در پاتسوک، تایلند، کودکان تشکیل میدهند. بگزارش «دفتر بین المللی کار»، پدیده دختر ۱۲ ساله خود را بمبلغ ۸۰ دلار، به یکی از این کارخانه ها فروخته است. این دختر همسراه با ۵۸ کودک دیگر، روزانه ۱۵ ساعت در یک کارخانه شربتی بیزی، به بسته بندی مشغول است. این کودکان، نه تنها هیچگونه دستمزدی دریافت نمی دارند، بلکه حتی غذای کافی نیز با آنها داده نمیشود.

در تایوان، کودکان ۱۵-۱۲ ساله، روزانه ۱۴-۱۲ ساعت در کارخانه های اسباب بازی سازی، پارچه بافی و (الکترونیک) کار میکنند. بسیاری از ماشین های حساب کوچکی که، از جمله در ایران، آب میشود، کار این کودکان است.

حتی در ایتالیا، هنوز کودکانی هستند، که در خانه برای کارخانه های کفش سازی کار میکنند، و طبیعتاً در آمارهای رسمی، اسمی از آنها نیست. در ضمن باید یاد آور شد، که هر چند مبارزه در منطقه کارگر علیه استفاده از کار کودکان در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، پدیده نامبرده را در اینگونه کشورها بعد اقل رسانده است، بسیاری از کارخانه های کشورهای وابسته عقب افتاده، در واقع، شمش کارخانه های مادر در دست و پا های نواستعماری هستند.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

چپ روها و مسئله راه رشد غیر سرمایه داری (بقیه)

آن با سائل روز، بیش از همه از دیدگاه «اورش متدی» لوزیک عظیم آن، میگیریم. «کوری کنونی رشد غیر سرمایه داری، ادامه و تکامل آموزش تئین درباره نقش جهانموشل تاریخی پروتاریا در شرایط آرایش و تناسب جدید نیروهای اجتماعی سیاسی در میانی سراسر جهان و امر از وی چنین کوشش می کند. «الطی فی مسئله ملی...» «بسیار گریه و انگلی» امکان رشد غیر سرمایه داری را در عصر سرمایه داری مبتنی بر رقابت آزاد، متذکر شده بودند. تئین آندیشه های آنان را در اطلاق با دوران تئین عصر امپریالیسم و انقلابات پروتاری - وصل داد... و اینک به استناد نتیجه گیری های تازه «میتوان گفت که رشد غیر سرمایه داری به امکان واقعی روند اجتماعی تبدیل شده و مسرجه کیفیتا بویزی در رشد دیکراسی انقلابی فرارسیده» (۱۷). با این تذکار مقدساتی و توضیحی بر ریبسی چریک های فدائی را درباره راه رشد غیر سرمایه داری به بررسی دوباره میگیریم.

دیهال این بحث را در شماره فردا میخوانید

۱۷ - مسائل معاصر...، صفحه ۱۲۲

برچسب رویزیستی میزند، خود سرانجام از دهلین دکماتیم به اعناق رویزیونیم سر ازیر میشوند. چه تقدیر شگرفی!

تفکری که به اسلوب دیالکتیک راه ندارد، قادر به فهم این اصل دیالکتیکی نیست که دفاع از مارکسیسم - لنینیسم و تکامل مستمر آن دوجریان جدا از هم نیستند، یک پویه واحدند که نقصان در هر یک، آن دیگری را تپاه میکند.

«ماه کوری مارکس به مشابه چیزی تمام و کمال و مانند من نیستیم. برعکس، ما بر آنیم که این کوری فقط سنگ بنای آن علمی است که سوسیالیستها اگر نتوانند از زندگی عقب بمانند، باید آنرا در همه جهات به پیش برانند» (۱۶)

روح تئوری مارکس اسلوب آنت و قلب آن استخوانبندی ماتریالیستی تکامل پذیر آن. و با الهام از این روح نافذ و خلاق است که ما و همه مارکسیستهای واقعی به جملات و اشارات مارکس و انگلسی و لنین و در تطبیق

۱۶ - لنین به نقل از دنیا، شماره ۸، سال ۵۹، صفحه ۱۷۳

۱۷ نشریه ورزشی در شوروی منتشر میشود



میکند و گزارشهای کاملی، از کلاس های ورزش در نقاط صنعتی و نواحی مسکونی گرفته تا اخبار ورزشی را بطور کامل منتشر می کند. آخرین رگوردهای ورزشی داخلی و خارجی نیز بطور کامل جمع آوری و در این روزنامه منعکس میشود.

مطبوعات یکی از سائل های است که میتواند نقش بزرگی را در راه ترویج ورزش ایفا کند. در اتحاد شوروی نشریات گوناگون ورزشی منتشر میشوند، که آخرین خبرها و رویدادهای ورزشی را، به همراه مطالب آموزنده، در اختیار مردم قرار میدهند. علاوه بر این نشریات، روزنامه ها و مجله های سبب نیز روزهای ورزشی را منعکس میکنند. برای مثال پیروان ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی، خبرها و رویدادهای مسابقات ورزشی را در هر روز درخود منعکس میکند و یا روزنامه سبب آیزوستیا، در روز های دو شنبه هر هفته یک صفحه کامل را به ورزش اختصاص میدهد. و تربیت ورزشی اختصاص میدهد. از دیگر نشریه های مهمی که در خدمت ورزش در اتحاد جماهیر شوروی هستند، می توان نشریات زیرین را نام برد: «مجله ورزش و فرهنگ» - این نشریه رهنمودهای جامعی در مورد تعلیمات ورزشی میدهد. این نشریه علاوه بر مساعدا هزار مشترکی که در اتحاد شوروی دارد، در میان خوانندگان خارجی نیز معروف است. «روزنامه ورزشی» - این روزنامه بطور مشترک توسط کمیته ورزشی اتحاد شوروی و شورای مرکزی سندیکاهای کارگری با. تیراژ چندین میلیون منتشر میشود و روی تمام جنبه های ورزشی و تعلیمات ورزشی تکیه میکند و گزارشهای کاملی، از کلاس های ورزش در اتحاد شوروی را بطور کامل منتشر میکند. «مجله اتحاد شوروی» - ماهانه ورزشی است

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

اسلوب چریکها

واسلوب مارکسیستها

بدون اسلوب دیالکتیکی، ماتریالیسم کج و قلیع میماند. با پای لنگ نمیتوان انتظار مقصدهای بلند و حرکت مناسب و موثر را داشت.

مسئله چریکهای فدائی در تئوری و عمل سیاسی، مسئله سرکشتگی آنها در برابر اسلوب علمی و لسانی یوایی ذاتی است. از این روست که مارکسیسم خلاق در دست آنها به چریایی راکد و احکامی خشک، متصعب و خشن، که روح زندگی در آنها پژمرده است، بدل میشود. اسلوبی که فاقد میانه خلق باشد، نمیتواند از اندیشه خلاق دفاع کند. خصوصیت متصعب آمیز چریکهای فدائی به تئوری امروزین راه رشد غیر سرمایه داری، که عیناً و ماهیتاً کوری لینی راه رشد غیر سرمایه داری است، از این دیدگاه قابل درک است. چریکها راه رشد غیر سرمایه داری، یا عبارت دقیقتر، سمت گیری سوسیالیستی راه بنایه یک مبنای عقاید خود و سیاسی دیگر از چهره رها در باره راه رشد غیر سرمایه داری، بطور فزاینده در جهت سلبیانی میکنند: «یکی از تجدید نظرهای اساسی که توسط روزیویستیها در اصول مارکسیسم-لنینیسم صورت گرفته و تاکنون ضررات بزرگی به جنبش کارگری جهانی وارد ساخته است، تحریف اصول لنینیسم در انقلاب دمکراتیک است که امروز تحت عنوان «راه رشد غیر سرمایه داری» تبلیغ میشود. روزیویستیها بویژه پس از کنفرانس احزاب کارگری و کمونیستی سال ۱۹۵۷ با استواری کردن نظریه راه رشد غیر سرمایه داری، کوشیده اند صف مستقل پروتاریا را دگرگون جلوه داده و همزبونی پروتاریا را در انقلابی دمکراتیک نفی کنند و بدینسان جنبشهای کارگری و جنبشهای دمکراتیک جهان را به شکست بکشانند» (۱).

مسئله چریکها، در این مانیفست چریکی، مانند مواضع دیگر آنها، در انحراف اصولی است:

- ۱- انحراف در اسلوب،
- ۲- انحراف در محتوی تئوری و لاجرم بیشین سیاسی. و این هر دو انحراف خاستگاه یکنه ای دارند.
- ۳- ادعای شورش چریکها علیه راه رشد غیر سرمایه داری، در واقع ادعای شورش است علیه مجموع کشورهای سوسیالیستی و احزاب کارگری و کمونیستی جهان. عبارت ساده تر، این هجوم است به قلب مارکسیسم، یعنی سوسیالیسم واقعا موجود. و لنین مقصد و نهایت چنین هجومی را، سر فزاینده از زیاتن مختلفی که در پشت آن میتواند نهفته باشد، نشان داده است:

«هرگونه تصحیف ایدئولوژی سوسیالیستی، هر نوع دوری گرفتن از آن، در عین حال تقویت ایدئولوژی بورژوازی است» (۲)

لنین حتی مسهل انگاری در دفاع از کشور سوسیالیستی را بمنتهای «بریده شدن از سوسیالیسم جهانی» میدانند. آیا چریکها بیشین دیگری دارند. آنها بر این گمانند که:

«... همه احزابی که از سال ۱۹۵۷ بعد بر نظریه راه رشد غیر سرمایه داری صحه گذاشته اند، روزیویستی اند و از این حد فراتر میروند و میافزایند:

«... روزیویستیها میگویند با استواری کردن راه رشد غیر سرمایه داری... جنبشهای کارگری و جنبشهای دمکراتیک جهان را به شکست بکشانند»

چریکها جرات نمیکند بطور سریع نام این روزیویستیها را که در بندهای آنها به اهدام جنبشهای کارگری و جنبشهای دمکراتیک جهان، که بر ستانده، فاش کنند. آنها با ایما و اشاره انگشت آنها خود را بسوی احزابی چون گردانهای کمونیستی شوروی، ویتنام، لائوس و کوبا گرفته اند. آنها بیش از ۲۰ حزب کارگری و کمونیستی جهان، یعنی تقریباً مجموع جنبش کمونیستی زمانه مارا، که با باطنی خود، خصلت انقلابی و راهگشایی راه رشد غیر سرمایه داری را تأیید کرده اند، بر کرسی اهدام نشانده اند. آنها با لشکری میگویند این روزیویستیها، یعنی همه پیشاهنگهای معتبر کمونیستی جهان «میگویند جنبشهای کارگری... راه شکست بکشانند»

معلوم نیست وقتی مجموعه جنبش کارگری و کمونیستی موجود روزیویستی و خائن به منافع انقلاب جهانی است، دیگر کدام جنبش کارگری باقی میماند که این روزیویستیهای سمیه پرزاد برای به شکست کشاندن آن به جد و جهد پردازند؟! گنگد مراد تئوریستهای چریکها «جنبش کارگری جهان» سازمان خودشان است و بر این توهمند که همه احزاب رسمی و معتبر کمونیستی و کارگری، برای اغوا و انحصار آنها، یعنی تنها برایشان داران مارکسیسم-لنینیسم امیل به تیر و تاب افتاده اند؟! برآستی سرچشمه این همه کبر و افتاد و خود-مرکزیتی کجاست؟

مدم مزاجی، نوسان فاحش نظر و عقیده در فاصله امروز تا فردا، خیرمایه خصلت خرد بورژوازی است. ریشه این برزخا بی درموقیت اجتماعی متناقض خرد بورژوازی است. بنابراین تعجب آور نیست که چریکها امروز انگ روزیویستی برایشان احزاب کمونیستی و کارگری و کشورهای سوسیالیستی میزنند و فریادیه نیروهای انقلابی کمونیست توصیه می کنند که هم برای جلوگیری از انزوا و خویش از خلق و هم از نیروهای ترقی در سطح جهانی «سمتگیری جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و سمتگیری جنبشهای رهائی بخش و ضد امپریالیستی سایر خلقهای تحت سلطه جهان را مورد توجه قرار دهند» (۳) و چریکها این هردو حکم را، که نافی یکدیگرند، بنام «تنها نیروی راستین مارکسیست-لنینیست ایران»

- ۱- کار، شماره ۴۲، «راه رشد...»
- ۲- مجموعه آثار، جلد ۶، صفحه ۴۰
- ۳- «نظری بر صف آرایی جهانی...» کار، شماره ۳۸

صادر میکنند، و این پست را برای خواننده و مخاطب خود باقی میگذارند که: اگر جنبش موجود کارگری و کمونیستی جهان به روطه روزیویستی در غایت و «روزیویستی» میگویند جنبشهای کارگری و دمکراتیک جهان را به شکست بکشانند، در آن صورت چه الزامی به توجه و همراهی با سمت گیری آنهاست؟ چنین رهنمودی آیا مارا یکسر به جنبه هدایت نمیکند؟ آیا شرط انقلابی بودن این نیست که بجای رعایت و التفات به سمتگیری این روزیویستیها ضد کارگر، یعنی بجای هماهنگی با شی سیاسی آنها، به مبارزه سر مستخ و بیامان با آنان بپردازیم؟

چریکها که تادیب فریاد میزنند:

«... سیمایستی که روزیویستیها در پیش گرفته اند، در جهت همکار یوسنازش طبقاتی و جلب رضایت امپریالیسم دور میزنند» (۴)

امروز ناگهان به صرافت افتاده اند که همان روزیویستیهای منفور و سازشکار، یعنی «پروتاریای جهانی» کشورهای سوسیالیستی نیروی عمده اردوی انقلاب اند! (۵) شاید «برای جلب رضایت امپریالیستاست» که روزیویستیها یکسو خود را به قلب اردوی انقلاب برتاب کرده اند؟! و یانه، این اسلوب کج و عینک تیر و تاز چریکهاست که تادیب عمده ترین نیروی انقلابی جهان را روزیویستی و همکار امپریالیست و دشمن طبقه کارگر و جنبشهای آزادی بخش معرفی میکند و با گمراه کردن توده ها و نیروهای سیاسی خلق، عملاً با آسایش امپریالیسم میریخت؟

چریکها این توضیح را به هواداران خود بدهکارند که چرا درباره کشورهای سوسیالیستی و نام آوردترین احزاب کمونیستی و کارگری جهان تبلیغ میکنند:

«... روزیویستیها زیر شعار همزیستی مسالمت آمیز لنین، به نفع انقلاب، به تبلیغ گذار مسالمت آمیز و سازش طبقاتی پرداخته اند» (۶)

و بطور شد که تغییر موضع و عقیده دادند و چنگ در چرخه دیروز خود انداختند که:

«... همه اصلی جبهه وسیع علیه امپریالیسم جهانی و مرتجعین کشورهای مختلف را پروتاریای جهانی و اردوی سوسیالیستی تشکیل میدهند» (۷)

با این شواهد روشن، چریکها باید بپذیرند که یا تادوسه ماه پیش، خواهی خواهی، عملاً در جبهه نیروهای ضد انقلاب قرار داشته اند و یا امروز در این جبهه سنگر گرفته اند. و در هر دو صورت موظفانده، به جبران ضررانی

چپ و هاومسئله

راه رشد غیر سرمایه داری

که به نیروهای انقلابی وارد آورده اند، یا خود بطور قاطع تسویه حساب کنند. ستمسکهای احتمالی از این قبیل که یک نیروی مبارز زنده خود را از درون اشتباهاتش بلایکشد، تنها در صورتی قابل عنایت و پذیرش است که این چرخش و تغییر موضع، با انتقاد صریح و بی ریا از خط انحرافی گذشته و ریشه کاری آن بدرقه و تکمیل شود و بخود وثیقه مطمئن دهد.

تفاوت بنیادی بین تغییر موضع مصلحت گرایی یا تغییری که محصول طبیعی رشد و تکامل است، در اینست که اولی عمدتاً در لفظ متوقف میشود و دومی در عمل فعال تبلور مییابد. از قدیم گفته اند که بهترین محک واقعیت هر ادعا عمل است. این محک برای سنجیدن عیار صداقت سخن و خلوص شی چریکها نیز صادق است. چریکها پس از آنکه لجن پر آکنی بسوی کشورهای سوسیالیستی و احزاب کارگری و کمونیستی، ناگهان به این نتیجه رسیده اند که:

«جریانی که نپذیرد که جنبشهای کارگری و کمونیستی نیروی عمده و تکیه گاه اصلی انقلاب است و یا به این امر کم بها دهد و آنرا ناچیز شمارد، در واقع هنوز در آن حد رشد یافته نیست که بتواند این جمع بندی واقعیتها از انقلاب و ضد انقلاب در همه جهانی و از سمتگیری تاریخی دنیای معاصر بصل آورد و عملکرد تلقینات لنینیالیستی و شوونیستی است که زمینه ساز این تنگ نگر و کوته نظری خرد بورژوازی است» (۸)

چریکها به زیان برزخانی اعتراف میکنند که تاکنون در تفکله جنبش کارگری و کمونیستی، تحت تاثیر تلقینات ناسیونالیستی و شوونیستی بوده اند. اما استوائی که بلافاصله در پی این اقرار در برابر آنها قرار میگردد، اینست که: برای درهم شکستن این ناسیونالیسم و این شوونیسم بقول خودشان خرد بورژوازی، چه گام عملی مشخصی برداشته اند؟ در زرفی که بین ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم،

بین شوونیسم کور و بین دوستی سوسیالیستی وجود دارد، با حرف و ادعا بپیوده نمیشود. اگر بخواهیم دورای شمارهی بزرگ کرده و الفاظ توخالی، بیرق سوسیالیسم علمی را برافرازم و شانه خویش را در عمل اهرم انقلاب کنیم، در آن صورت دیگر «حشی طرح این سؤال هم زائد است که در تفکله ما چه چیز مقدم و عمده است. همینکه خصلت انترناسیونالیستی انقلاب پروتاریا عمده خوانده میشود، مایه وجود تعهدات و تکالیف در مبارزه طبقاتی در سطح بین المللی اعتراف کرده ایم. پاسخ منفی دادن به پرسش و یا باشک و تردید و یا

- ۴- کار، سلسله مقالات «تاریخ و منشاء روزیویستیسم در جنبش کمونیستی»
- ۵- «پیرامون شعار اساسی...» کار، شماره ۵۶
- ۶- «تاریخچه و منشاء روزیویستیسم...» کار، شماره ۲۷ و ۲۹
- ۷- «پیرامون شعار اساسی...» کار، شماره ۵۶
- ۸- «پیرامون شعار اساسی...»

«اما» و «اگر» به آن پاسخ دادن، خود یعنی زیر علامت سؤال قرار دادن خود اصل است» (۹)

چریکها که وانمود میکنند به انترناسیونالیسم پروتاریا باور دارند، چریکها که مترقند در تارهای شوونیسم و ناسیونالیسم تنگ نگر اسیر بوده اند، چریکها که در لفظ سرانجام میبیزینند که «پروتاریای جهانی» و «کشورهای سوسیالیستی نیروی عمده اردوی انقلاب اند»، در برابر تعهدات و تکالیفی که لازمه چنین موضعی است و بی آن هر سخنی به ادعا و هر ادعایی به مصلحت گرایی تعبیر میشود، چه کرده اند؟ اگر این تعهدات و تکالیف در سطح بین المللی، «موجه مقدم و عمده آموزش مارکسیسم است»، در آن صورت موضع خنثی و اظهار نظرهای نیه بند چریکها را در برابر مسائل حاد مجموعه جنبش جهان و تک تک اعضای آن، یعنی «گردانهای ملی پر اردی بین المللی طبقه کارگر» چگونه باید تفسیر کرد؟

این تناقض چگونه قابل حل است که چریکها، در عین حال که «جنبش کارگری و کمونیستی را تکیه گاه اصلی انقلاب» در سطح جهان میدانند، نسبت به مونی ترین و پرتقندترین دشمن آن، یعنی مائوئیسم، موضع انفعالی دارند؟ در برابر هجوم بربرستانه مائوئیستهای یکن به ویتنام سوسیالیستی غرقه در زرخ و خامسه، سکوت میکنند؟ کشتار کمونیستیای فرمان عراق را ندیده میگیرند؟ در رابطه با حزب کمونیست شیلی، که جنبش کارگری و کمونیستی بطوریکه چاره به حمایت از حقانیت آن قیام کرده است، جبهه گیری محکوم دارند و از سازمان سلسله ساز و چپ روی «میر» که در شکست جنبش خلق شیلی یکی از ستولان است، دفاع میکنند؟ از این نمونه ها بسیار میتوان ذکر کرد، زیرا این رشته سردراز دارد چریکها که به دیگران توصیه میکنند که در تعیین دوستان و دشمنان و تشخیص نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در سطح ملی و جهانی «سمتگیری جنبش کارگری و کمونیستی را مورد توجه قرار دهند»، چرا خود به آنچه میگویند، عمل نمیکند؟ و نه تنها در این پویه عمل نمیکند، بلکه گاه موضعی مغایر و نقطه مقابل آن دارند؟

نه، مافوق بانمونه شخصی از اوضاع غیر متعظ و پور و نیستیم. ما با نمایندگان سیاسی اقتدار اجتماعی خاصی طرفیم، که در عرصه تولید موقیتهای دوگانه دارد و به این ترتیب راه روی واقعیت بنیاد و راه رشد غیر سرمایه داری را توطئه ای علیه انقلابها بخوانید. نباید واقعیت را به سخره بگیرد و با آن لچ کند. اگر میخواهید جدی باشید، در تئوریهای نارسایان شک کنید. حق بازدهی است. آن تئوری که عجز خود را در انکار واقعیت، با پناه گیری از خود واقعیت و تردید در مصادقات آن پویشاند، نمیتواند هیچ وجه مشترکی با تئوری مارکسیستی، که منبع نیرو و شادابی آن در واقعیت و بهمین دلیل خود یک علم است، داشته باشد.

دفاع از پاکیزگی و جان مارکسیسم، رد واقعیت نوظهور باروش تنظیم به نقل قولهای کتابی و تکریم احکام گلچین شده قدیمی نیست. «این مطلب که کوری تا چه اندازه بلواقیبت عینی مطابقت دقیق دارد و در هر مرحله از تکامل تاریخ چه اندازه آنرا منعکس میسازد و تاثیر آن در پدیده مورد شناخت چگونه است، ماهیت تمام آزمونهای هر حکم و هر نظریه ایدئولوژیک را تشکیل میدهد» (۱۴)

مسئله فقط آن نیست که «هر سیمستی از نظرات علمی همواره راه کمال میباید و پیوسته به حقیقت مطلق نزدیکتر میشود». مسئله اساسی آنست که خود واقعیت پیوسته در حال تغییر است. و تئوری، اگر نخواهد از زندگی عقب بماند و بعد دست و پاگیر آن شونده، باید پایبندی این تغییر، رشد کند. آنهایی که این استعداد را ندارند که این تغییر مداوم واقعیت را به رسمیت بشناسند، جایشان در عقب بیخوله های اهور توئیسم است.

قیاس مکانیکی جملات لنین درباره راه رشد غیر سرمایه داری، که بازتاب شرایط و تناسب نیروها در سطح جهان عصر سیمیره مطلق امپریالیسم است، با نظریاتی که با توجه به امکانات نوین و بی سابقه عصر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و اقتادن ابتکار تاریخی بدست پروتاریای جهانی و پیشتر اول آن، مطرح شده، دکاماتیسم کامل است. و مگر دکاماتیسم شکلی از اشکال روزیویستیسم نیست؟

دکاماتیسم ها، با پسیندن به احکام تجریدی، با مقدم کردن نقل قولهای کتابی بر واقعیت زنده، مارکسیسم را پوک میکنند، یعنی احکام و رهنمودها را از موقیبت زمانی و مکانی آن جدا میسازند و به این ترتیب روح آنرا میگیرند. روزیویستیها نیز با تجدید نظر خود سرانه و بی- ضرورت در احکام و اصول مارکسیسم، آنرا با منافع و اغراض خاص و یا خواست ذهنی خود تطبیق میدهند. و از آنجا که تطبیق اصول و احکام مارکسیستی در جهت واقعیت عینی نبوده و ضرورت عینی آنرا ایجاب نکرده است، مارکسیسم از واقعیت زنده مستقل آزما جدا میافتد و پیوندش را با آن میگسلد

بدینسان اهور توئیسم همان بلای رابر مارکسیسم نازل میکند که دکاماتیسم بر سر آن می آورد. هر دکاماتیسمها و هم اهور توئیستها ناف مارکسیسم را از شکم واقعیت زنده، یعنی مادر آن میریند و نیروی حیاتی آنرا، که همان جوهر انقلابی است، زایل میکنند، زیرا «تنها آن نیروی ذهنی که در قبایل عوامل عینی واکتشی درست نشان دهد و با آن مطابقت داشته باشد، می تواند به نیروی دگرگون کننده تبدیل شود» (۱۵)

- ۹- انریکه رودریگس، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست آرگوئه، مسائل بین المللی، شماره ۱، بهمن و اسفند ۵۴
- ۱۰- گس هال، دبیر اول حزب کمونیست آمریکا، فصلت خلاق مارکسیسم - لنینیسم، صفحه ۱۲
- ۱۱- رودی آرستیندو، دبیر اول حزب کمونیست آرگوئه، مسائل بین المللی، شماره ۱، بهمن و اسفند ۵۴

جلیاتی آشکار بنام مارکسیسم-لنینیسم خلاق تبلیغ میکنند (۱۷) معلوم میشود که آنها نه مارکسیسم و اسلوب آنرا میشناسند و نه حتی مفهوم علمی روزیویستی را میدانند. چریکها در انبیاات ادعای خود استدلال میکنند: «لنین اکیدا راه رشد غیر سرمایه داری را تحت رهبری کمونیستها میسر میدانند... اولیانی که راه رشد را... راهی میدانند که تحت رهبری دمکراتهای انقلابی طی می شود و به سوسیالیسم می انجامد»

لنین راه رشد غیر سرمایه داری را برای جوامع بسیار عقب مانده فودالی و نیمه فودالی، از جمله موقولستان مطرح میکنند. اولیانی که این راه را برای سرمایه داری نارسا یافته هم مطرح میسازند... و حزب توده آنرا برای جامعه ما، که بخش غالب اقتصاد آن توسط سرمایه انحصاری وابسته هدایت میشود، در نظر میگیرد» (۱۲)

پیش از آنکه به یکسو نگر، برداشت ناقص و حتی تحریفاتی که در دعوی چریکها وجود دارد، بپردازیم، پیش در آمدی نیمه تئوریک، برای این بحث ضرور است. به چریکهای فدائی که برای بی اعتبار کردن تئوری امروزین راه رشد غیر سرمایه داری، که بی شک تکامل نظریات گذشته درباره این گذار تاریخی است، به هر دری میزنند، باید گفت: آخر راه رشد غیر سرمایه داری، چه شما بخواید و چه نخواهید، یک واقعیت تثبیت شده جهان است. ۱۵ کشور آسیایی و آفریقایی با ۱۵۰ میلیون نفوس، در مراحل رشد مختلف و حتی رشد قابل توجه سرمایه داری، این راه را برابری غلبه بر سرمایه داری و پیشرفت و اعتدالی خود برگزیده اند. کنفرانسهای مشورتی احزاب کارگری و کمونیستی، یعنی همان نیروی که شما بدون درک ماهیت حرفی که میزنید آنرا «هسته اصلی جبهه وسیع ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی جهان» توصیف کرده اید و توجه رها هتکنی با سمتگیری آنرا واجب شمرده اید، بر آنستکه «ورد عده ای از کشورهای جدید در راه رشد غیر سرمایه داری کام مهبی در رشد و تکامل نیروی انقلاب جهانی معاصر است». امپریالیسم این نیروی انقلابی جدید را، که منظری «از درم ریزی و تلاش اقتصاد جهانی اوست»، «بمنابه پیشاهنگ جنبشهای آزادی ملی تلقی میکنند و یکپارچه با آن در ستیز است. خوب، اگر تئوریهای شما قادیست این واقعیت سجد را توضیح دهد، نباید چشمان راه روی واقعیت بنیاد و راه رشد غیر سرمایه داری را توطئه ای علیه انقلابها بخوانید. نباید واقعیت را به سخره بگیرد و با آن لچ کند. اگر میخواهید جدی باشید، در تئوریهای نارسایان شک کنید. حق بازدهی است. آن تئوری که عجز خود را در انکار واقعیت، با پناه گیری از خود واقعیت و تردید در مصادقات آن پویشاند، نمیتواند هیچ وجه مشترکی با تئوری مارکسیستی، که منبع نیرو و شادابی آن در واقعیت و بهمین دلیل خود یک علم است، داشته باشد.

دفاع از پاکیزگی و جان مارکسیسم، رد واقعیت نوظهور باروش تنظیم به نقل قولهای کتابی و تکریم احکام گلچین شده قدیمی نیست. «این مطلب که کوری تا چه اندازه بلواقیبت عینی مطابقت دقیق دارد و در هر مرحله از تکامل تاریخ چه اندازه آنرا منعکس میسازد و تاثیر آن در پدیده مورد شناخت چگونه است، ماهیت تمام آزمونهای هر حکم و هر نظریه ایدئولوژیک را تشکیل میدهد» (۱۴)

مسئله فقط آن نیست که «هر سیمستی از نظرات علمی همواره راه کمال میباید و پیوسته به حقیقت مطلق نزدیکتر میشود». مسئله اساسی آنست که خود واقعیت پیوسته در حال تغییر است. و تئوری، اگر نخواهد از زندگی عقب بماند و بعد دست و پاگیر آن شونده، باید پایبندی این تغییر، رشد کند. آنهایی که این استعداد را ندارند که این تغییر مداوم واقعیت را به رسمیت بشناسند، جایشان در عقب بیخوله های اهور توئیسم است.

قیاس مکانیکی جملات لنین درباره راه رشد غیر سرمایه داری، که بازتاب شرایط و تناسب نیروها در سطح جهان عصر سیمیره مطلق امپریالیسم است، با نظریاتی که با توجه به امکانات نوین و بی سابقه عصر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و اقتادن ابتکار تاریخی بدست پروتاریای جهانی و پیشتر اول آن، مطرح شده، دکاماتیسم کامل است. و مگر دکاماتیسم شکلی از اشکال روزیویستیسم نیست؟

دکاماتیسم ها، با پسیندن به احکام تجریدی، با مقدم کردن نقل قولهای کتابی بر واقعیت زنده، مارکسیسم را پوک میکنند، یعنی احکام و رهنمودها را از موقیبت زمانی و مکانی آن جدا میسازند و به این ترتیب روح آنرا میگیرند. روزیویستیها نیز با تجدید نظر خود سرانه و بی- ضرورت در احکام و اصول مارکسیسم، آنرا با منافع و اغراض خاص و یا خواست ذهنی خود تطبیق میدهند. و از آنجا که تطبیق اصول و احکام مارکسیستی در جهت واقعیت عینی نبوده و ضرورت عینی آنرا ایجاب نکرده است، مارکسیسم از واقعیت زنده مستقل آزما جدا میافتد و پیوندش را با آن میگسلد

- ۱۲- «پیرامون شعار اساسی...» کار، شماره ۵۶
- ۱۳- «پیرامون شعار اساسی...»
- ۱۴- فصلت خلاق مارکسیسم-لنینیسم، صفحه ۱۲
- ۱۵- فصلت خلاق مارکسیسم...، صفحه ۱۰

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

بمناسبت روز اول ژوئن

طلوع آفتاب بهر روزی رادر



بازهم دستهای یک دختر روستائین... نمره یک عمر کوتاه و یک زحمت زودرس بی آنها. در چهارمحصال بختیاری هستیم. کاری کنیم تا خنده از لبان دهقان زاده های زحمتکش ما بیفتد و در دیدگانشان همواره شادی و سربلندی موج زند.



در این کارگاه، از شش کارگری که که در عکس دیده میشوند، چهار نفر کودک هستند. کار کودکان با مقتضیات رشد بدنی و فکری آنها، با ضرورت درس خواندن، با هدفهای والای انقلاب ما، مغایرت دارد. آخرینها حق کودکی، همراه با حق تحصیل و حق بهداشت و حق تفریح باید داشته باشند. باید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عملی شود و آینده کودکان تامین گردد.



بازی نمیکند، کار نمیکند، سالهاست که کار میکنند و اگر سوانح ناشی از کار، که در اینگونه کارگاههای شیشه فراوان است، اجازه دهد، سالهای دیگر کار خواهد کرد. بدون آنکه مزه دوران کودکی خود را چشیده باشد. نظام جمهوری اسلامی ایران باید برای او و همسالان او آینده ای بهتر بآورد.

زندگی اکثریت کودکان ایرانی ماجرایی اندوهزای شب سیاهی است که در آسمان آن ستاره ای هم کورسوزنمیزند. حیات نوپایشان از میان مرداب های فقر و جهل و بیماری گذر دارد و بجز سایه عطر دلپذیر نیکیبختی، گند حرمات و غم و نیستی در شام جانان نمیشیند. کودکی رابشت سرمیگذارند، بی آنکه از آن جهان سرشار از وجد و شادی های کودکی، روزنه ای بزنگیشان گشوده گردد. به جوانی میرسند در حالیکه گرسنگی و فقر و بیماری و یاس بر قلبهای کوچکشان تا اول های بزرگی نشانداده است.

سلطه طولانی امپریالیسم و کارگر ایران داخلی آن، سیلاب فقر و جهل و تباهی بر سر زمین ما جاری ساخت. کشوری که منابع زرخیزش، بیای امپریالیسم غارتگر دامن دامن طلا میریزد، کودکان در کبود شام، گرسنه سر بر بالین میکشاندند و از توله تامل کودکی بزرگ و دادر و دردمان نمیدیدند و اکثریت با وجود پیروزی انقلاب شده امپریالیستی و خلقی ما، هنوز تا سالها آنگاه تا تیر مرگه بار آن سلطه شوم بر تمام ابعاد زندگی خود و کودکان خویش بود، چرا که اثرات تکیه بار آن در کودکی مدت زودتری نیست. بنا بر این به خواست امام، همه فزاید های خود را بر سر آمریکا بکشیم که سر کرده غدار امپریالیسم غارتگر جهانی است.

مرگ و میر زودرس کودکان

فقر سیاه و نبود پزشک و دارو، بسیاری از کودکان شهری و روستائی را قبل از آنکه به یک سالگی برسند، به کام گسیکشد. در حالیکه مرگ و میر کودکان در کشورهای صنعتی رشد یافته ۱۲ تا ۲۰ در هزار است، میزان مرگ و میر کودکان کمتر از یکسال در کشور ما بطور متوسط ۱۰۴ در هزار است که در روستاها به ۱۱۹/۸ در هزار میرسد. سوه تفهیماداران، شیوع بیماریها، فقدان مراکز بهداشتی، فقدان مراقبت های طبی از حیات مادر و کودک در سراسر روستاها و شهرها از علل این مرگهای نا بختگام است. برای ۳۵ میلیون ایرانی فقط ۱۴ هزار پزشک وجود دارد، یعنی برای هر ده هزار نفر ۳ پزشک. این نسبت در اتحاد شوروی به ۳۲/۵ در ۱۰۰۰ آلمان فدرال به ۲۳/۹ در ۱۰۰۰ و در انگلستان به ۱۶/۴ در ۱۰۰۰ پزشک میرسد. این مقایسه، ناچیزی تعداد پزشک را نسبت به جمعیت کشور ما نشان میدهد. کمبود پزشک هنگامی محسوس تر میشود که به مسئله تمیز پزشکان در پایتخت و شهرهای بزرگ توجه کنیم. پایتخت است که در تهران بهر ۶۹۵ نفر و در زنجان به هر ۷۳۲۹ نفر یک پزشک میرسد. کمتر روستائی از ۶۰ هزار روستای ایران است که پای طبیب و درمان به آن رسیده باشد و باین دلیل نسبت مرگ و میر کودکان در مناطق روستائی از حد متوسط در سطح کشور فراتر رفته است. بیماریهای گوناگون رایج در شهرها و روستاها چنان اثرات عمیقی بر سلامت کودکان باقی میگذارد، که بسیاری از آنان ناگزیر باید عمری را با بیماری و عیالی بگذرانند.

نان آوران خردسال در تولید صنعتی

علیرغم آنکه قانون کار از ۳۴ سال پیش کار کودکان کمتر از ۱۴ سال را ممنوع کرد و سازمان بین المللی کار به سازمانهای عضو، ممنوعیت قانونی کار کودکان کمتر از ۱۵ سال را توصیه کرده است، ولی آن قانون و این توصیه بلا اجرا

ماند و چندین میلیون کودک خردسال در رشته های مختلف صنایع، کشاورزی، تعاون، ساختمان و خدمات بکار اشتغال دارند.

نظام مبتنی بر استثمار و فقر خانوادها، کودکان را به بردگی و کار و زحمت میکشاند، حتی قبل از آنکه به سن تحصیل برسند. کارگاههای قالی بافی این سنگ های تپاهی زندگی کودکان به سرانگشت ظریف کودکان خردسال از چهار سالگی نیازمندند تا تارهای جان آنان در تارهای قالی تپیده و به زر و سیم بدل کنند از تعداد ۳۰ هزار کارگر قالی باف سراسر کشور، اکثریت آنان از زنان و کودکان تشکیل میدهند، کودکانی که پس از سالها نسی کوتاه، سوی چشم، سلامت جسم و استواری اندام خود را از دست داده، و با چشمان بیمار، جسمی علیل و قامت کج و موج یا بازهم در تارهای قالی می تندند و یا کار فرمای فقر پرست، نیروی تازه نفس را جانشین آنان ساخته و آن ها را بدون هیچ تأمینی به امید خدا رها کرده است.

ددا اکثریت مطلق کارگاههای کوچک و کارخانه ها، نیروی کار کودکان خردسال وسیله زداوندی کار فرمایان است. در کارخانه های نخریسی، پارچه بافی، صنایع مواد غذایی، چاپخانه ها، کوبه خانه ها، کبریت سازی ها، در کارگاههای کوچک مکانیک، کفایش، جنرهای دستی و غیره کودکان تحت شدیدترین استثمار قرار دارند. این نان آوران کوچک خانوادها در دشوارترین شرایط کار میکنند و با بیشترین ساعات کار، کمترین مزد را دریافت میدارند. نه بیمه هستند و نه تأمین دارند. تا روزی که کار فرما، بخواهد از کار آنان بهره بگیرد و چون نخواست آنان را به خیابان می اندازد. خردسالان شاغل در کارگاههای کوچک و مغازه ها علاوه بر انجام وظایف شاق کارگری، نوکر و امر به کار فرمای خود هستند و این همه برای آنست که تکه ای نان بدست آورند، لقمه ای در سفره خانواده خویش بگذارند.

کار کودکان در روستاها

شرکت و نقش فعال کودکان روستائی در تولید از دیر باز تا کنون بمنوان یک سنت ناشی از ضرورت و فقر وجود داشته است.

کودکان روستائی از راه های مختلف تولیدی و خدماتی در روند تولید اجتماعی شرکت داشته و دارند. شرکت کودکان در تولید کشاورزی بمنوان نیروی کار ارزان بطور عمده توسط مالکان بزرگ و فئودالها برای تولید محصولات کشاورزی مورد استفاده قرار میگیرد. در چنین شرایطی کودکان روستائی به همراه اعضاء دیگر خانواده خود مجموعاً در خدمت سیستم تولیدی بزرگ مالکی و فئودالی واقع میشوند. آمار دقیقی در این باره نیست ولی پس از دیدن میلیونها نفر کودک و نوجوان روستائی بین سن ۱۰ تا ۱۴ ساله در کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری شاغلند.

بدین ترتیب مشاهده میشود که واحدهای تولیدی کشاورزی قسمتی از نیروهای نوجوانان و کودکان را بطور فعال جذب کرده، از آنان بعنوان نیروی کار ارزان استفاده میکنند، یاد آوری میکنیم که علاوه بر این میلیونها کودک روستائی در سراسر کشور برای کمک به اقتصاد خانواده خود در مناطق روستائی بر سر زمینها و یا در فرودگاههای روستائی و یا در کارگاههای خانوادگی به کار مشغولند. واضح است که در اینجا صحبت از آن کار تولیدی منظمی است که زندگی کودک را مصروف خود میکند نه آن کار کمک لازی که هر فرد می تواند و باید در خانواده داشته باشد.

باتوجه به اینکه روابط ناعادلانه و ظالمانه ای در سطح روستاها بر مبنای مالکیت گروهی کوچک بر بخش قابل ملاحظه ای از زمینها و وسائل تولید وجود دارد، میسوان به روشنی شدت استثمار خانه بر اندازی را که بر سر نشت میلیونها کودک روستائی کشور حاکم است، حس می شود. استماری که نه با عسرتکامل بشری میخواند و از این بیدنه با انقلابی عظیم که میلیونها نفر در آن شرکت جسته و خواستار تحول ریشه ای و عمیق در نظام اجتماعی کشور هستند.

شرکت کودکان در فعالیت های ساختمانی و معدن:

کودکان علاوه بر استخراج معادن و در بخش ساختمانی نیز بعنوان نیروی کار به فعالیت مشغولند. با توجه به عقب ماندگی های

که در تکنیک استخراج و کارهای ساختمانی وجود دارد، میسوان تصور کرد که کار کودکان روستائی در این دو بخش اقتصادی با مشقت فراوان همراه است. چندین دم هنر از نفر کودک در معادن و ساختمانی کار میکنند. ساحبان و سائل تولید حتی از دختران در کار پر مشقت در معادن و ساختمانی استفاده میکنند. میلیونها کودک شاغل در سنین کمتر از ۱۵ سال قرار دارند. سلامتی آنها و ضرورت تحصیل اقتضا میکند که آنها بدمرجه بروند و انانای سالم و کار آمدی بار آیند. کار تولیدی باید حداکثر بمنوان یک فعالیت جنبی و به تنگام لزوم در مسواک اضطراری و یا خلعت مکمل فعالیت تحصیلی شمرده شود.

فصلیت کودکان در بخش خدمات شامل کار در فروشگاهها، رستوران و کافه، برق گاز و آب، حمل و نقل و ارتباطات، خدمات مالی، بیمه ملکی و تجارتی و همچنین خدمات اجتماعی دشمنی است.



بجای قلم نازک، دسته بیل را در دستهای هنوز کوچک، و هم اکنون پینه بسته خود گرفته است. کار در موقیع خاص، کمک و بطور جنبی، البته شایسته و لازم است. ولی میلیونها ایرانی، بناچار و برای رهایی از گرسنگی، همیشه اوقات با محرومیت از تحصیل و شادی زندگی، به کاری طاقت فرس باید برای کودکان ممنوع باشد، میبزدانند.



او میخواهد درس بخواند، اوستی باید درس بخواند. دیوار مدرسه روستائی فروریزد. کف اطاق درس نشست کرده. اما کودک دهقان ایرانی درس میخواند.

باید شرایطی فراهم آید تا دیگر هیچ کودکی مجبور

وزیر اطلاعات افغانستان: تمام فجایع در جهان اسلام را آمریکا مرتکب شده است

عبدالمجید سرلبنده، وزیر اطلاعات و عضو شورای انقلابی افغانستان در مصاحبه‌ای گفت که محافل امپریالیستی و ارتجاعی تشنج را در سرتاسر جهان دامن می‌زنند و میخواهند ناآرامی‌ها را توسعه دهند.

وی ضمن بحث درباره هیاهوی امپریالیسم آمریکا، که خود را می‌خواهد دوست کشورهای مسلمان جا بزند، گفت که دشمنان بشریت و کشورهای اسلامی آتذر دریا کارند که مانند گرگ خود را بصورت میش در می‌آورند، اما هیچکس فریب نمی‌خورد و آمریکا، کینه تمام فجایع در جهان اسلام را مرتکب شده است و همچنین همدست ری‌چین، که اکنون از رژیم‌های مرجع حمایت میکند، نمیتواند تسوطفی‌ها خود را اجرا کنند.

سرلبنده گفت که خلق فلسطین و خلق‌های عرب تحت ستم آمریکا قراردادند و برتری-طلبان چینی هم برای آمریکا دست‌میزند.

وزیر اطلاعات افغانستان گفت که محافل امپریالیستی از ویتنام تا آنکولا و شیلی و در سرتاسر جهان، از امریکای لاتین تا آسیا و آفریقا، علیه جنبش‌های رهایی بخش توطئه میکنند و میخواهند خلق‌ها را در بریدگی نگهدارند.

عبدالمجید سرلبنده تأکید کرد که امپریالیسم آمریکا از حقوق بشر دم می‌زند، اما تنها درونی که حق ندارد در این مورد صحبت کند و بپایند شرم‌گند امپریالیسم آمریکا است. آمریکا باید از جنایاتی که در ویتنام، شیلی و علیه سیاهان و فلسطینی‌ها مرتکب شده و میشود، شرم کند.

جشنواره سینمایی تاشکند زیر شعار «برای صلح، پیشرفت اجتماعی و آزادی خلق‌ها» پایان یافت

جشنواره سینمایی تاشکند، پایتخت جمهوری ازبکستان اتحاد شوروی، که با شرکت فیلمسازان آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین برگزار شده بود، پس از ده روز پایان یافت.

در ششمین جشنواره سینمایی تاشکند حدود صد کشور و همچنین سازمان آزادبخش فلسطین، نیروهای میهن‌پرست شیلی و نمایندگان سازمان ملل و یونسکو شرکت داشتند. همچنین فیلمسازان آمریکا و اروپا بمنوان میهمان در جشنواره شرکت کردند.

در این جشنواره دویت و ده فیلم مستند و کارتون در گرایش‌های مختلف سینمایی در این سه قاره نشان داده شد. بحث‌های جشنواره بر اساس شمار آن «برای صلح، پیشرفت اجتماعی و آزادی خلق‌ها» صورت گرفت. فیلمسازان کشورهای مختلف پیوسته به فتنای دموکراتیک جشنواره و دور بودن آن از روح تجاری اشاره و اعلام کردند که به همه کشورهای سرف نظر از سطح پیشرفت سینمایی آنها اجازه داده شده است که بطور برابر در جشنواره شرکت کنند.

در جشنواره تاشکند فیلمسازان آنکولا، نیکاراگوئه، موزامبیک و چند کشور دیگر برای نخستین بار شرکت کردند. بموجب مقررات، در جشنواره تاشکند هیئت داوران وجود ندارد. با این همه شرکت کنندگان دیپلم شرکت در جشنواره را دریافت کردند. از این گذشته عده زیادی از فیلمسازان دیپلم سازمان‌های مختلف اتحاد شوروی را دریافت کردند.

آموزگاران افغانستان: دشمنان انقلاب میخواهند از بیسوادی برای رسیدن به هدفهای جنایتکارانه خود استفاده کنند

نخستین کنفرانس آموزگاران افغانستان به کار خود در کابل پایان داد.

این کنفرانس در بیانیه خود اعلام کرد که مهمترین هدف مرحله کنونی ایجاد یک نظام آموزشی خلقی واقعی و تبدیل مدرسه از ابزار تسلط طبقاتی استثمارگران به ابزار دگرگونی دموکراتیک جامعه است. مدارس جدید فرادست سازندگان بی‌سواد و بی‌سواد و با صلاحیت زندگی نوین را تربیت کنند و نقش فعال در دگرگونی اجتماعی انقلابی و در غلبه بر عقماوندگی و توسعه فرهنگ ملی بهمه گیرند.

چندتن از آموزگاران شرکت کننده گفتند که کنفرانس در شرایط دشواری برای افغانستان برگزار شده، زیرا بیش از نود درصد مردم سواد خواندن نوشتن ندارند و دشمنان داخلی و خارجی تلاش دارند بر سر راه توسعه نظام آموزشی مانع ایجاد کنند. این آموزگاران تأکید کردند: «ادبانشان و ضد انقلابیون مدارس را به آتش میکشند، معلمان و دانش‌آموزان را با کوبان دهقانان و کارگران تنها بی‌اطلاقی حضور در کلاس درس بقتل میرسانند. هدف دشمنان انقلاب کاملاً روشن است. این دشمنان میخواهند از بیسوادی برای رسیدن به هدفهای جنایتکارانه خود استفاده کنند. و روند حرکت تاریخ را برای بدست آوردن مواضع آزادی‌تربیت تغییر دهند. اما ما مسلمانان افغانستان علیه دشمنان انقلاب به مبارزاتی بزرگ دست زده‌ایم و علی‌رغم ترس و تهدید استثمارگران سابق - مزدوران امپریالیستی و ارتجاع - هدفهای کنفرانس را پیش خواهیم برد.»

دبیر کل فدراسیون سندیکائی جهانی از مبارزه اقرا آمیز محافل امپریالیستی و ارتجاع جهانی در مورد تحولات افغانستان انتقاد کرد

بیست و دومین اجلاس فدراسیون سندیکائی جهانی در شهر کونو، پایتخت بنین، گشایش یافت. در این اجلاس نمایندگان قریب به سی کشور شرکت دارند و مسائل مربوط به مبارزه طبقه کارگر برای حقوق و آزادی‌های سندیکائی در شرایط بحران در نظام سرمایه‌داری و همچنین استقرار نظام تازه اقتصادی جهانی مورد بحث قرار میگردد.

یاستورینو، دبیر کل فدراسیون، گفت که اجلاس در قاره آفریقا به تحکیم همبستگی یکبارگیو با مبارزه طبقه کارگر آفریقا برای استقلال ملی و حاکمیت و در مبارزه علیه استعمار، تجاوز امپریالیستی و همدستان آن و در مبارزه علیه رژیم نفرت‌بار آپارتاید کمک خواهد کرد.

وی تأکید کرد که اجلاس همچنین فزاینده کشورهای سوسیالیستی و نقش تعیین کننده آنها در دفاع از صلح، حملات تب‌آلود ارتجاع جهانی را دنبال داشته است.

وی تلاش‌های عاری از مسئولیت نیروهای امپریالیستی و بی‌وزنه امپریالیسم آمریکا را در مورد ایجاد دوج جنگ سرد محکوم کرد و مبارزه اقرا آمیز محافل امپریالیستی و ارتجاع جهانی را در مورد تحولات افغانستان شدیداً بباد انتقاد گرفت.

یاستورینو گفت که در همین حال رهبری چین حداکثر تلاش را بعمل می‌آورد، تا از اوضاعشان مسلح، که از پاکستان به افغانستان حمله می‌کنند، حمایت بعمل آورد.

یاستورینو گفت که نمونه بارز سیاست تجاوزکارانه دولت کراتر تجاوزنا فرجام به ایران است و این حمله تهدیدی جدی برای صلح است.

یاستورینو گفت که مسئولیت فدراسیون و طبقه کارگر جهانی در مورد سر نوشت صلح روزافزون است.

یاستورینو در همین حال به نقش فزاینده طبقه کارگر و سندیکاهای آنها پیوسته در آفریقا در جنبش آزادیبخش ملی و در مبارزه علیه امپریالیسم، فاشیسم و نژادپرستی و در دفاع از حقوق خود اشاره کرد.

رهبر جمهوری دموکراتیک خلق یمن: مردم یمن به حمایت و همبستگی اتحاد شوروی ارجح می‌نهند

علی ناصر محمد، رهبر جمهوری دموکراتیک خلق یمن (یمن جنوبی) پس از بازگشت از دیدار اخیر خود از اتحاد شوروی، گفت که این دیدار بسیار موفقیت آمیز و مذاکرات پاره‌پاره اتحاد شوروی بسیار بیشتر بخشن بود.

رهبر یمن دموکراتیک گفت که در جریان این دیدار چند موافقت‌نامه جدید با امضا رسید، که بموجب آن اتحاد شوروی به یمن دموکراتیک در سرعت بخشیدن به ساختمان اقتصاد ملی خود، در چارچوب دومین برنامه پنج‌ساله، کمک خواهد کرد.

علی ناصر محمد گفت که اتحاد شوروی بطور منظم و دائم از مبارزه خلق عرب فلسطین و دیگر خلق‌های عرب برای آزادی ملی و پیشرفت اجتماعی، ثبات و امنیت در منطقه حمایت می‌کند و با این مبارزه ابراز همبستگی مینماید مردم یمن نیز مانند دیگر خلق‌های عرب همواره حمایت و همبستگی اتحاد شوروی را ارجح می‌نهند و از آن ستایش و قدردانی میکنند.

علی ناصر محمد گفت: «ما تحکیم روابط و دوستی و همکاری همه‌جانبه با اتحاد شوروی را مهمترین عامل در تسهیل حل و فصل و وظائف ملی خود و نیل به هدفهای مبارزه علیه امپریالیسم، صهیونیسم، ارتجاع و در مبارزه برای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم میدانیم.»



آندره گرومیکو: استفاده از زبان تجاوز و تعرض در مورد جمهوری دموکراتیک افغانستان بی‌معنی و بی‌مورد است

آندره گرومیکو، وزیر خارجه اتحاد شوروی در یک سخنرانی در مسکو، ضمن اشاره به اوضاع خاورمیانه گفت که تحولات در اطراف افغانستان به گونه‌ای متعادل کننده نشان داده است که استفاده از زبان تجاوز و تعرض در مورد حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان بی‌معنی و بی‌مورد است و تنها یک برداشت جدی و سازنده میتواند راه عادی شدن اوضاع در پاره افغانستان را هموار کند.

وزیر خارجه اتحاد شوروی، ضمن اشاره به ارزشی که این کشور برای حل و فصل سیاسی پیشنهادی حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان قائل است، گفت که در چهارچوب حل و فصل پیشنهادی و با توجه به تمسین‌های کافی بین المللی برای قطع همه اشکال مذاخله از خارج در امور افغانستان، می‌توان همچنین مسئله تاریخ آغاز خروج نیروهای محدود اتحاد شوروی از سرزمین افغانستان و گامهای دیگر در این زمینه را، البته با توافق دولت افغانستان، حل کرد.

نخست وزیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام از پیشنهادها و پیشنهاداتی در زمینه کاهش تشنج در جهان استقبال کرد

فام وان دونگ، نخست‌وزیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام، از پیشنهادها و پیشنهاداتی در زمینه کاهش تشنج در جهان استقبال کرد.

فام وان دونگ تأکید کرد که این پیشنهادها برای خلع سلاح و کاهش تشنج اهمیت زیادی دارد و این در حالی است که امپریالیسم آمریکا و برتری طلبان چین تلاش دارند جنگ سرد را احیاء کنند.

فام وان دونگ پیوسته پیشنهادها و پیشنهاداتی در زمینه کاهش تشنج در جهان را مورد توجه قرار داد

فام وان دونگ پیوسته پیشنهادها و پیشنهاداتی در زمینه کاهش تشنج در جهان را مورد توجه قرار داد.

رژیم نژادپرست افریقای جنوبی بر خشونت خود در برابر تظاهرات اعتراضی سیاهان می‌افزاید

مقام‌های رژیم پرتوریا برای جلوگیری از گسترش جنبش اعتراضی در آفریقای جنوبی، با سرعت یکن‌هنگام پلیس را به مناطقی که درگیر تظاهرات گسترده است اعزام می‌کنند. از جمله تعداد زیادی از مأموران است که در سرکوب تظاهرات دانش‌آموزان سیاه در شهرک سوئسو در سال ۱۹۷۰ شرکت داشتند، بار دیگر برای مقابله با موج فزاینده تظاهرات در مناطق مختلف فرستاده شده‌اند.

در یک هفته گذشته پلیس نژادپرست آفریقای جنوبی پنج جوان دانش‌آموز را در حدود شهرک کیپ‌تاون بضر کتک و شکنجه کشته کرد. هزاران تن نیز بازداشت شده‌اند.

از سوی دیگر دبیر کل شورای کلیسای آفریقای جنوبی گفت که کشور در نتیجه اقدام‌های مقام‌های دولتی بسوی یک مقابله نژادی بیش می‌رود.

گام جدید کشورهای سوسیالیستی در راه صلح جهانی

بر خلاف گروه‌های امپریالیستی‌های بزرگ و کوچک عضویمان «ناتسو»، که به طرح‌ریزی افراطی تشنج‌های جهانی و با نتیجه داغ شدن بازار فروش اسلحه‌شان اختصاص داده میشود، کشورهای سوسیالیستی در اجلاس اخیر کمیته سیاسی مشورتی کشورهای عضویمان و روشو دست به ابتکار تازه‌ای زدند. در سندی که از طرف جمهوری دموکراتیک آلمان، به نمایندگی از کشورهای عضویمان و روشو به سازمان ملل متحد تسلیم شد، این کشورها، پس از تشریح موقعیت‌شان خواستارند تا مذاکرات درباره محدود کردن سابقه تسلیحاتی از سر گرفته شود.

ضد انقلاب در افغانستان نارنجکهای سمی ساخت آمریکا بکار می‌برد

جمهوری دموکراتیک افغانستان، در پیامی به کورته و والد هلم، دبیر کل سازمان ملل متحد نوشت است:

«اخیراً نارنجک‌هایی حاوی مواد سمی ساخت آمریکا از اعضای باندهایی که از خارج به افغانستان اعزام گشته‌اند، گرفته شده است. آمریکا، چین و انگلستان با استفاده از این شیوه‌ها به جنگ اعلام نشده بس وحشیانه‌ای علیه افغانستان پرداخته‌اند.»

در این پیام تأکید گردیده است که کشورهای که به باندهای ضد انقلابی اجازه می‌دهند تا در خاک کشورشان علیه افغانستان پایگاه ایجاد کنند مسئولیت بسیار سنگینی متوجهشان خواهد بود.

وزیر دفاع آمریکا اعتراف کرد که انقلاب ایران منافع انحصارات نفتی را بخطر انداخته است

بالاخره یکی از مجریان سیاست ضد بشری امپریالیسم آمریکا، یعنی هارولد برارون، وزیر دفاع این کشور، در دانشگاه نظامی هوست پونت، آمریکا، علت عمده اختلاف میان ایران و آمریکا را نه دستگیری جاسوسان دیپلمات نمای این کشور، بلکه خطری می‌خواند که انقلاب ایران برای منافع انحصارات نفتی و غیره به وجود آورده است. وی فاش ساخت که دولت کراتر قصد دارد از بحران موجود برای گسترش هرچه بیشتر حضور نظامی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه استفاده کند.

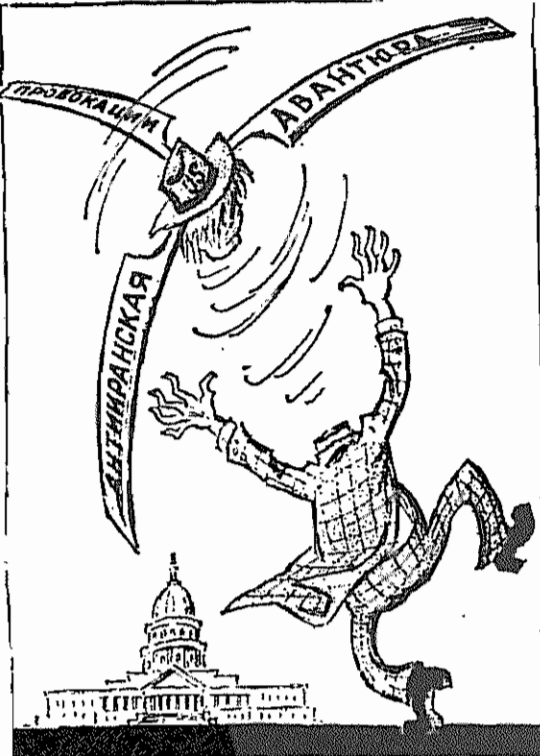
مائوئیست‌های چین برای ایجاد یک اتحاد نظامی سه‌جانبه میان چین - ژاپن - آمریکا تلاش میکنند

دیدار هوا کوفنگ نخست‌وزیر چین از ژاپن و سفر تنگه پیاو معاون نخست‌وزیر چین از آمریکا، که همزمان باهم صورت میگردد، این هدف را تعقیب میکند. هوا کوفنگ در توکیو با اسرار از ژاپن خواست بودجه نظامی خود را افزایش دهد و در تدارکات جنگی آمریکا شرکت کند و تهدید بیشتری بر دوش گیرد. هوا کوفنگ در سخنرانی‌های خود آشکارا تشنج‌زدایی مخالفت کرد و دقیقاً سخنانی را که کراتر و دیگر یادوهای انحصارات پس‌زبان میرانند، تکرار کرد.

از سوی دیگر تنگه پیاو نایب نخست‌وزیر چین در آمریکا با مقام‌های این کشور درباره روابط نظامی و یکن‌رواشکن گفتگوهای مفصلی انجام داد. در پی این گفتگوها اعلام شد که آمریکا با فروش چند قلم‌ساز برگ نظامی با اصطلاح تصافی به چین موافقت کرده است.

هارولد برارون وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد که این کشور هلیکوپتر، هواپیما و وسایل مخابراتی به چین می‌فروشد. مقام‌های آمریکائی می‌خواهند با عباراتی از قبیل «فروش اسلحه تهاجمی به چین مطرح نیست» عمق سازش را پنهان سازند.

از هم‌اکنون کشورهای جنوب شرقی آسیا از اتحاد نظامی و اشکن چین-توکیو احساس نگرانی میکنند. گروه‌ها و احزاب ترقیخواه ژاپن به دولت این کشور اخطار کردند که بجای افتادن در تحریکات و توطئه‌های یکن و



سرگیجه خطرناک

کاریکاتوراز «دیراود» روی پرده‌های هلیکوپتر مانند نوشته شده، «ما جراحیولنی تحریک‌آمیز ضد ایرانی» - با اشاره به عملیات کورب -

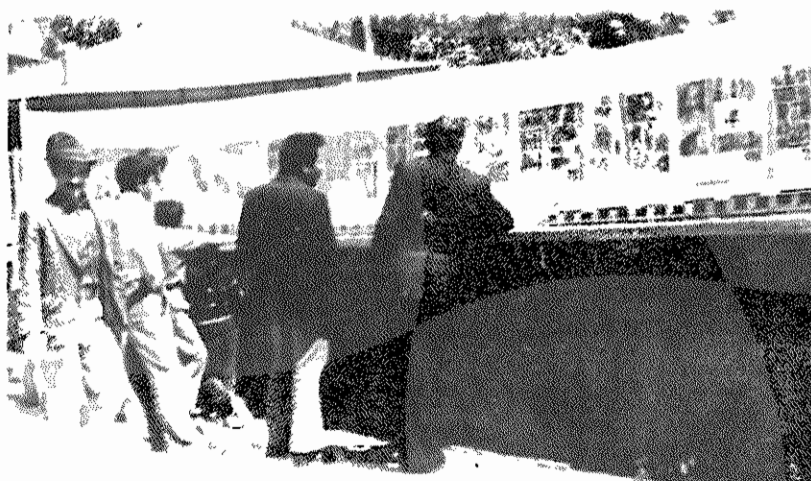
واشکنن بهتر است به سر نوشت مردم ژاپن بیا نندیشد. سازمان‌های ترقیخواه کشورهای عضو اتحادیه امنیت آسیای جنوب شرقی را جدأ در معرض خطر قرار دهد.

شورای صلح آمریکا: هیئت حاکمه آمریکا در صدد مداخله مستقیم در السالوادور برای سرکوب قیام خلق است

شورای صلح آمریکا اعلام کرد که هیئت حاکمه آمریکا در صدد مداخله مستقیم در السالوادور برای سرکوب قیام خلق این کشور است. این شورا تأکید کرد که آمریکا برای این مداخله از سپاه و اکشن سریع استفاده خواهد کرد.

از سوی دیگر نیروهای چپ السالوادور ضربات قاطعی به مزدوران رژیم سرسپرده این کشور وارد میکنند.

نمایشگاه عکس از جنایات آمریکا در ماکو



نمایشگاه عکس از جنایات آمریکا در جهان توسط هواداران فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان، در شهر ماکو برگزار شد. این نمایشگاه که روز سوم خرداد تشکیل شد، با استقبال زحمتمندان شهر ماکو رو برو گردید.

در نامه «مردم» زبان کردی می‌خوانید:

- ۱- درجه به چنگ‌روانی، فکر می‌کنیم.
- ۲- هم‌پای امپریالیسم آمریکا و ضد-دستگیرشدگان کردستان را آزاد کنید! دامن‌زدن به بحران اقتصادی دهات منطقه کردستان به نفع امپریالیسم کردستان است.
- ۳- ما در ماتم سوختن دفتر فروش نامه «مردم» نیستیم، بلکه آمریکا است.
- ۴- میراث رژیم گذشته و داستان، شعر و چند خبر وجود زمینداران بزرگ، علت فقر و کمبود کشاورزان و رکود تولید اقتصادی دهات منطقه کردستان است.
- ۵- قالیبافی در دگرگشتان، داستان، شعر و چند خبر

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود



رویدادهای ایران

حمله ضدانقلاب به دفتر حزب توده ایران در کرمانشاه

در ساعت ۵ بعد از ظهر ۸ خردادماه گروهی عناصر مشکول و ساواکی به دفتر حزب توده ایران در کرمانشاه حمله کردند و دفتر را به آتش کشیدند. مهاجمین در این حمله زیادهای زیادی وارد آوردند. ماضن اعتراض جدی نسبت به این عمل، از مقامات مسئول خواستار دستگیری و مجازات ضدانقلابیون مهاجم هستیم.

ضدانقلاب دربروجرد کتاب فروشی حزب توده ایران را با آتش کشید

عوامل ضدانقلاب دربروجرد روز سوم خرداد برای دومین بار، با شعار حزب فقط حزب الله، به مرکز فروش نشریات حزب توده ایران (کتابفروشی اتحاد) هجوم بردند و کلیه کتابها، نشریات و لوازم آنرا با آتش کشیدند. عوامل ضدانقلاب سپس در شهر به مراکز فروش نشریات سایر گروههای سیاسی حمله ور شدند و تمامی دهکدها و نشریات آنها را نیز به آتش کشیدند و به این ترتیب خسارات مالی فراوانی به بار آوردند. با کمال تأسف مقامات مسئول

گسترش فعالیت ضدانقلاب در اهواز

عوامل ضدانقلابی و وابسته به امپریالیسم پاندریک نیروی خود را در منطقه خوزستان متمرکز کرده اند و هر روز به نحوی علیه انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران توطئه می کنند. آخرین نمونه فعالیت این عوامل نوشتن شعارهای ضدانقلابی روی دیوارهای شهر اهواز و اعتراض خوانندگان خوزستان است.

ضدانقلاب در اهواز فعال است

عوامل وابسته به رژیم منحل پهلوی روز ۳ خرداد، با استفاده از تاریکی شب، تعداد زیادی از حکسهای شاه مخلوع و خسانوادمی را در اهواز پخش کردند. این عوامل عکسهای مذکور را در نقاط مختلف اهواز از جمله محله حسین آباد این شهر پخش کردند. بخش این عکسها نشانگر گسترده فعالیت ضدانقلاب در خوزستان است.

قیمت پارچه افزایش یافت

قیمت پارچه همراه با دیگر کالاها افزایش یافت. با وجود بیام رئیس جمهور به بازار ایران، مبنی بر اینکه ما اگر قیمتها را پایین نیاورند و با مردم طرف هستیم و مردم به بازار

نامه مردم
از زبان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی

خیابان آذرشماره ۶۸
تلفن: ۹۳۳۳۴۵۹-۹۳۵۷۲۸
شماره تلکس:
214081 TPI IR
چاپ: کلویان

MARDOM
No. 248
1 June 1980

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

از احکام صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی بابلسر پشتیبانی می کنیم

فعالیت ضدانقلاب در به آشوب کشیدن محیط شهر را قویا محکوم می کنیم

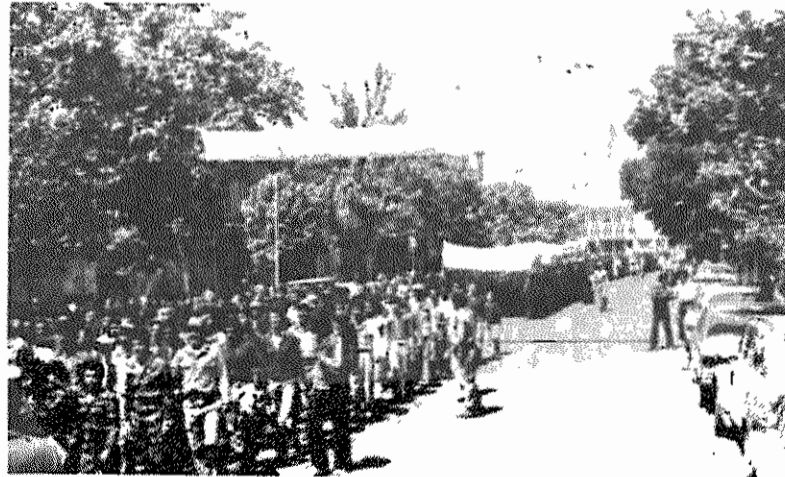
سازمان حزب توده ایران در بابلسر، بدنبال درگیریهای روز جمعه ۹ خرداد در این شهر، که به زخمی شدن عدهای انجامید، اعلامیه ای صادر کرد. در این اعلامیه آمده است: «همشهریان عزیز! انقلاب ضد امپریالیستی، خلقی و شکوهمند مردم ایران با رهبری قاطعانه و آشتی ناپذیر امام خمینی می رود تا بساط فئودالیسم و سرمایه داری وابسته را که پایگاه اصلی رژیم شاه مخلوع بوده است، درهم پیچند. در چنین شرایط حساس دادگاه انقلاب اسلامی بابلسر، با حمایت مردم، به مصادره اسلحه و اموال تعدادی از مالکین بزرگ و نزولخوران که سالها خون مردم را می مکیدند، پرداخته و با این عمل خویش توده های شهروده را در پیشبرد انقلاب مصممتر کرده است. عمل انقلابی دادگاه انقلاب اسلامی بابلسر در مورد مصادره ویلاهای خورشهر، در کنار سایر اعمال قاطعانه این ارکان خلقی و انقلابی، باعث تشدید و گسترش فعالیت ضدانقلابیون گشته است. سرمایه داران و ملاکان بزرگ، که منافع خویش را نخست در خطر می بینند، با استفاده از فعالیت عمال ساواک منحل و استفاده از آژانسهای و تمسب عدهای، دست به ایجاد تشنج و درگیری در شهر می زنند. گروههای ضد انقلابی با حمله به دفاتر گروههای سیاسی، با برهم زدن نظم و آرامش شهر و با زخمی شدن تظاهرات و راهپیمایی ها در این جهت سخت می کوشند. همه شاهد بودیم که در روز جمعه ۹ خرداد، هنگامیکه مردم میخواستند به پشتیبانی از احکام انقلابی صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی بابلسر دست به راهپیمایی و تظاهرات بزنند، عمال ضدانقلاب چگونه با وجود آوردن درگیری باعث شدند که این تظاهرات برهم

نمایشگاه عکس از جنایات آمریکا در آستارا



نمایشگاه عکس از جنایات امپریالیسم آمریکا در جوهان توسط هواداران حزب توده ایران در آستارا ترتیب یافت. این نمایشگاه، که در بزرگترین عکسها و کاریکاتورهای از فعالیت های امپریالیسم در جهان بود، مورد توجه فراوان اهالی آستارا قرار گرفت.

راهپیمایی مردم مشهد برای حمایت از سیاهان آمریکا



گروه های مختلف مردم مشهد روز دوم خرداد به دعوت «سجملی» این شهر، در بزرگراهی حمایتی اعتراض آمیز علیه آمریکا شرکت کردند. در این تظاهرات، که بدنبال انتشار سیاهان آمریکا برپا شده بود، مردم فریاد می زدند: «سیاهان آمریکا بیدارند، از دولت آمریکا بیزارند» «کارتو، کارتو، کارتو» «بیرنگ تو، خون سیاه مظلوم می چکد از چنگ تو» شرکت کنندگان در این راهپیمایی، که از «میدان شهدای» مشهد شروع شده بود، در مسیر خود برای محل استقرار جاسوس های آمریکائی در مشهد توقف کردند و پس از دادن شعارهایی علیه سیاست تجاوزکارانه آمریکا به طرف حضرت رضاشاد، در پایان این راهپیمایی قلمنامه ای نیز صادر شد.

شوخی نیست...!

ساواکی ها را آزاد نکنید

در دادگاه جلاد معروف، کمالی، نکات جالب توجهی به چشم می خورد، که از آن جمله اند: «دختر اسلام شو جوانی اظهار داشت، من نیامده ام شهادت بدهم، دستی در کار می بینم که می خواهد به ساواکی ها ترحم شود...» آقای محمدعلی مفتی گفت: «پس از انقلاب مدت ۱۷ ماه در کارخانه ذوب آهن به سرپرستی مشغول بودم. بهما گزارش رسید که حدود ۱۰۰۰ نفر ساواکی در ذوب آهن مشغول کار هستند، اما وقتی ماموشناست این افراد را خواستیم تنها به ما مشخصات ۲ یا ۳ نفر دادند این مسئله برای ایران خطرناک است. بهتر است کلیه افراد ساواکی شناسائی بشوند.»

ساواکی بدشانسی

جلاد معروف ساواک «کمالی»، آدم بدشانسی است. تعجب نکنید. اخبار زیر را بخوانید: «چندتن از ساواکیهای خرم آباد به حکم رئیس دادگاه به مرخصی رفتند.» (انقلاب اسلامی، ۵/۱۲/۵۸) «معاون ثابتی از زندان آزاد شد.» (کیهان، ۲۴/۲/۵۹) «بروز آقای معروف به ولی الله، غم ساواک منحل، که به ۱۵ سال زندان محکوم شده بود، پس از ۴ روز از زندان آزاد شد.» (جمهوری اسلامی، ۳۰/۲/۵۹) «مردم همدان به آزادی فرماندار سابق همدان (که به اتهام محکوم شده بود) اعتراض کردند.» (اطلاعات ۱ خرداد) و در همین وقت کمالی، جلاد معروف ساواک را «هنگامیکه برای گرفتن حقوق رفته بود»، دستگیر میکنند! (جمهوری اسلامی، ۶ خرداد) - حالا متوجه شدید که چرا «کمالی» ساواکی بدشانسی است!

آگاهی

«هواکوفنگ» رهبر چین، وارد توکیو شد. «تظاهرات علیه سفر هواکوفنگ به ژاپن در توکیو صورت گرفت.» (کیهان ۶ خرداد)

شباهت

رادیو صدای آمریکا مساحبه انورسادات با روزنامه واشنگتن پست را پخش کرده است. در این مساحبه از سخنان گریبار این «مسلمان آمریکائی» یاد شده، که منجمله گفته است: نباید موقیعت او را با موقیعت شاه سابق ایران مقایسه کرد، چون... من از پشتیبانی ۹۹٪ از مردم مصر برخوردارم و اگر غیر از این بود، استعفا می کردم!» (کیهان، ۶ خرداد) - ولی شاه مخلوع هم همین حرف را بیزد!

کاخ بیدولان بزرگ کنیم

خانم حزب کمونیسم آباء و اجداد

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان! ما می خواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن ویلا ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید. کمک مالی خود را به نام رضاشاد توکیو، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (با کمک تهران سابق) شعبه ایران شهر شمالی بپردازید.

سیامک و بابک ش. از کرج	۱۰۰۰ ریال
نی نی از تربیت جدید	۱۰۵۰
چشمید از هفت چنار	۱۰۲۵
هواداران حزب در بانک سه	۷۰۰۰
س. ف.	۳۰۰۰
روزبه مجیدی	۱۰۱۲
افخار	۱۰۰۰۰

آقای کیان یور نیز کمک مالی به موقع و ارزنده ای به ما کرده اند.
از طرف دانشجویان هوادار حزب توده ایران در برلن غربی از فروش ساندویچ و نوشابه ۴۰۰ مارك غربی